هفته نامهٔ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان و مال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان



مجاهدان هیچگاه عامل نا امنی نیستند. بلکه آنها همیشه به حیث عامل ثبات و تأمین کنندهٔ امنیت عمل نموده اند.

از سخنان رهبر شهٔید

دور ششم –سال چهاردهم – شمارهٔ بیست و ششم ۱۱ میزان ۱۳۹۴ ۱۹ ذوالحجه الحرام ۱۴۳۶ 3 October 2015





وزیر امور خارجه پس از شرکت در نشست فرماندهان جهادی، به قندز رفت

محترم صلاح الدین ربانی رئیس جمعیت اسلامی افغانستان و وزیر امور خارجه از ولایت قندز جایی که پیکار میان حق و باطل از چند روز بدینسو ادامه دارد، دیدار نمود.

وزیر امور خارجهٔ کشور در حالی‌که سفر اروپایی خود را نا تمام گذاشت، در بدترین شرایط ترجیح داد، تا در کنار مردمش باشد. او با شنیدن خبر سقوط قندز از امریکا به افغانستان آمد و بدون وقفه در شرایط بد جنگی در کنار سربازان نیروهای امنیتی و مردم رنج دیدهٔ آن ولایت قرار گرفت.

آقای ربانی ضمن بازدید از خطوط مقدم جبهه، به سربازان و فرماندهان اطمینان داد که مردم همواره در کنار شما خواهد بود و از حق مردم در دفاع از کشور دوشا دوش خواهند بود.

رئیس جمعیت اسلامی افغانستان در مرکز سوق و ادارهٔ عملیات تصفیهٔ ولایت کندز، با جنرال مراد علی مراد معاون لوی درستیز، جنرال عبدالحمید فرماندهٔ قول اردوی ۲۰۹ شاهین، حمدالله دانشی سرپرست ولایت کندز، جنرال زمری پیکان فرماندهٔ عمومی پلیس نظم عامه و شمار دیگر از مسؤولان امنیتی و نظامی دیدار کرد و آخرین وضعیت را در خط نبرد به بررسی گرفتند.

وزیر امور خارجهٔ کشور به شهروندان کشور وعده داد که به هیچ صورت اجازه نمی دهند، با خون و آرمان شهدا معامله صورت گیرد.

وزیر امور خارجه در مسیر قندز در گردهمایی بزرگان و فرماندهان جهادی ولایت های کابل، پروان، کاپیسا و پنجشیر شرکت کرد و بر موضع برحق در دفاع از جهاد و مجاهدین و حمایت نیروهای امنیتی، حفظ استقلال و تمامیت ارضی تأکید نمود.

رئیس جمعیت اسلامی افغانستان طی سخنان کوتاه تصریح کرد که باید برای دفاع از مردم و تمامیت ارضی شوراهای مجاهدین در هر ولایت تشکیل شود.

ملاقات های صلاح الدین ربانی وزیر امور خارجهٔ کشور
در حاشیهٔ هفتادمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد

صفحات ۴ و ۵

یکسال در یک نگاه

■ وحید مژده

یکسال از عمر حکومت وحدت ملی گذشت. یکسالی که با امید های بزرگ آغاز گردید و اکنون که در پایان یکسال کاری این حکومت قرار داریم، نا امیدی از آینده بر امیدها پیشی گرفته است.

حکومت وحدت ملی بدنبال اختلاف میان دو کاندیدای پیشتاز بر سر تقلب شکل گرفت. هرچند توافق شده بود تا تمام رای های ریخته شده به صندوق ها بازشماری گردد اما این بازشماری نیز گره از مشکل نگشود و در نتیجه با وساطت جان کری وزیر خارجهٔ امریکا، این حکومت شکل گرفت. به این معنی که هردو کاندیدا پیروز اند و قدرت نیز میان شان باید بشکل مساویانه تقسیم گردد.

حکومت وحدت ملی در فردای ادای سوگند و رسمیت یافتن، قرارداد امنیتی را با امریکا به امضا رسانید. حامد کرزی رئیس جمهور پیشین شرط امضای این قرارداد را برقراری صلح در افغانستان قرار داده بود و به همین دلیل از امضای آن خودداری ورزید. کرزی به این باور بود که کلید صلح افغانستان در دست امریکا و پاکستان است و اگر امریکا بخواهد، می تواند صلح را به افغانستان باز گرداند اما سران حکومت وحدت ملی به این باور نبودند.

با امضای این قرارداد، به نظر می رسید که مشکل امریکا در افغانستان به پایان رسیده است. نیروهای خارجی قبلاً مسوولیت های امنیتی را به نیروهای افغان سپرده بودند و بر بنیاد این قرارداد هیچ تعهدی را نیز در قبال تامین صلح در افغانستان نپذیرفتند.

اشرف غنی در مهمترین وعده هایی که به ملت داد گفت که، تامین صلح در افغانستان در سرخط برنامه های کاری وی قرار دارد زیرا بدون صلح در افغانستان هیچ برنامه ای به پیروزی نخواهد رسید.

ص۳



شرکت رئیس اجرائیه در اسامبلهٔ عمومی سازمان ملل متحد

ص۲

تظاهر کننده گان در کابل:
حکومت در مورد دلیل سقوط کندز جواب بدهد!



بعد از اینکه برای اولین بار در ۱۴ سال اخیر، یکی از شهرهای بزرگ افغانستان بدست نیروهای طالب سقوط کرد، نگرانی های شهروندان کشور را برانگیخت و بر ولایات همجوار نیز تشویش هایی را خلق نمود. در همین ارتباط پیش از ظهر پنج شنبه ۹ میزان جمعی کثیری از جوانان، جامعهٔ مدنی و اقشار مختلف کشور در یک مظاهرهٔ از قبل اعلام شده، از سوی جنبش اعتراض و مقاومت در کنار منار مقاومت در کابل گرد آمده، اعمال طالبان و تروریستان را تقبیح و جنایات ایشان را در همه دوره ها بخصوص در حملهٔ اخیر در قندوز برشمردند.

تظاهر کننده گان سهل انگاری حکومت مرکزی و مقامات محلی را در سقوط قندز نیز به باد انتقاد گرفتند و حمایت شان را از نیروهای امنیتی افغان اعلان کردند.

همچنان تظاهر کننده گان از حکومت خواستند تا ستون پنجم و حامیان مخالفین در صفوف دولت شناسایی و محاکمه گردند. و در بارهٔ دلیل سقوط شهر قندز به ملت جواب بدهد.

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: شهید استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیئت تحریر
آدرس: کابل، کلوله پشته، سرک ۴، پهلوی شفاخانهٔ بلاسم
شمارهٔ تلفن:۰۷۸۸۴۰۸۶۳۵/ ۰۷۷۲۰۳۶۴۱۲
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo&hotmail.com

شرکت رئیس اجرائیه در اسامبلهٔ عمومی سازمان ملل متحد

ابوبکر سبزوار

شرکت رئیس اجرائیهٔ حکومت وحدت ملی در هفتادمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد از جملهٔ وقایع نادر در ۱۴ سال گذشته است. در طول چهارده سال گذشته همیشه رئیس جمهور افغانستان در این مجمع جهانی شرکت می نمود. عدم شرکت اشرف غنی در این مجمع موجب بروز شایعاتی در مورد وضع صحی وی نیز گردید که وی را به تردید آن شایعات واداشت.

قرار بود رئیس اجرائیهٔ افغانستان سخنرانی خویش در این مجمع را روز پنجشنبه ایراد نماید اما به دلیل وضع نابسامان امنیتی در کشور، به تقاضای وی، این سخنرانی دو روز جلو انداخته شد و وی سخنرانی خویش را روز سه شنبه ایراد نمود.

داکتر عبدالله عبدالله در سخنرانی ۱۷ دقیقه ای خویش تلاش نمود تا جامعهٔ جهانی را بار دیگر به تعهداتش در قبال افغانستان متوجه سازد. او در این بیانیه یکبار دیگر توجه جهانیان را به مداخلات پاکستان در امور افغانستان جلب نمود و به نظر می رسید که بخش مهم پیام وی نیز تاکید بر همین مسئله بود. وی گفت:

حضور پناگاه‌های تروریستی و شبکه‌های امداد رسانی برای تروریست‌ها در پاکستان انگیزهٔ بحران در داخل افغانستان است. شبکهٔ حقانی عامل اصلی حملات تروریستی شناسایی شده‌است و باید به عنوان یکی از خواسته‌های اصلی ما از میان برداشته شود.

وی بعنوان نمونه از حملهٔ طالبان به کندز یادآوری نموده گفت: صدها تن از تروریست‌های مسلح، که برخی از آنان جنگجویان بیرونی‌اند، حمله ای را بر ولایت کندز سازماندهی کردند، که جنگ هنوزهم در آنجا ادامه دارد. یک روز پیش از این، ده‌ها تن در ولایت پکتیا در حال تماشای مسابقهٔ ورزشی به اثر انفجار بمب جان باختند یا زخمی شدند....

...اگر کمک سازمان یافتهٔ خارجی، دسترسی به سلاح و مهمات، استراحتگاه، شفاخانه، پول و آموزش در تبانی استراتیژیک با عناصر قدرتمند در منطقهٔ ما وجود نمی‌داشت، این نوع جنگ چریکی خفیف تا حال جزئی از تاریخ می بود.

ما از پاکستان می‌خواهیم آنچه را رهبری این کشور برای ما چند ماه قبل برای درهم کوبیدن پایگاه‌های شناخته شدهٔ تروریست‌ها، یعنی دشمنان افغانستان، وعده کرده بود، عملی سازد.

داکتر عبدالله در مورد پروسهٔ صلح با طالبان گفت:

ما به تغییر پارادایم در روابط و برخورد خویش برای مذاکرات صلح با طالبان توافق کردیم. ولی وقتی فاش گردید که رهبر طالبان دوسال قبل در گذشته، و این داستان دروغین و قلابی است، تحولات و حوادث شکل دیگری به خود اختیار نمود. از دست دادن اعتماد می تواند برای همهٔ اطراف پیامدهای جبران ناپذیر در پی داشته باشد. ما باید از این حادثه بیاموزیم.

ما همچنان از بازیگران منطقه‌ای و همکاران بین المللی خواهشمندیم، دشواری وضعیت را درک نمایند، و با استفاده از مساعی حمیدهٔ خویش یا هر ابزار دیگری، ما را در مسیر دست یافتن به اعتماد سازی واقعی و درازمدت که منجر به گفت و گو با طالبان و گروه‌های مخالف مسلحی که خواهان مذاکره‌اند، کمک نمایند.

در اجلاس توسعه و همکاری منطقه ای افغانستان که روز ۴ میزان در حاشیهٔ مجمع عمومی سازمان ملل برگزار شد، بر حمایت از دولت افغانستان تاکید شد.

در بیانیهٔ وزارت امور خارجه امریکا که به مناسبت این نشست منتشر شده آمده است: امریکا ، جمهوری خلق چین و جمهوری اسلامی افغانستان در حاشیهٔ هفتادمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد، یک اجلاس سطح بالا را دربارهٔ توسعهٔ افغانستان و همکاری منطقه ای برگزار کردند.

در این اجلاس عبدالله عبدالله مدیر اجرایی افغانستان، صلاح الدین ربانی وزیر امور خارجه افغانستان، جان کری وزیر امور خارجهٔ امریکا، وانگ یی وزیر امور خارجهٔ چین، جواد ظریف وزیر خارجهٔ ایران و نیز فدریکا موگرینی، رئیس سیاست خارجی اتحادیهٔ اروپا حضور داشتند. نمایندگان دوستان منطقه ای و بین المللی افغانستان و شرکای این کشور نیز در این اجلاس حضور یافتند.

در این نشست دکتر عبدالله عبدالله گزارشی دربارهٔ پیشرفت در زمینهٔ تشکیل دولت وحدت ملی افغانستان ارائه کرد. این گزارش می افزاید، جامعهٔ بین المللی نیز بر ادامهٔ حمایت قوی از دولت افغانستان تاکید کرد.

شرکت کنندگان در اجلاس، از گام های اخیر برای اصلاحات در افغانستان، مقابله با فساد و تقویت اعتبار روند برگزاری انتخابات در افغانستان استقبال کردند.

شرکت کنندگان در این اجلاس بر حمایت از افغانستان و حمایت از تلاش های این کشور برای روند صلح و پیشبرد آشتی با طالبان و دیگر گروه های تروریستی، تاکید کردند.

جان کری وزیر خارجهٔ امریکا در این نشست گفت: دولت وحدت ملی افغانستان مسوولیت کامل امنیت مردم خود را برعهده گرفته است و این گام بسیار مهمی بود. این دولت در حال حرکت به سمت جلو در زمینه اصلاحات است.

مهم است کمک های جامعهٔ بین المللی به این دلیل ساده به افغانستان ادامه یابد و آن این است که موفقیت در افغانستان هدف مشترک ما است. تمام کشورهای حاضر بر روی این میز تعهد قوی در این زمینه دارند.

جان کری گفت: من این افتخار را داشتم تا سال گذشته ساعت ها با اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان و عبدالله رئیس اجرایی سپری کنم و خُرسندم که امروز با شما هستم.

من دربارهٔ اهمیت این نشست تاکید دارم. بسیاری از مردم در آن زمان فکر می کردند به خاطر رقابت برای ریاست جمهوری، مردم هرگز نمی توانند کنارهم گرد آیند و این کشور در آستانه خطر قطب بندی قرار دارد.

من باید به شما بگویم این چیزی نیست که از نزدیک مشاهده کردم. من دو مردی را دیدیم که خطرات برای کشور خود را به خوبی درک می کردند و اولویت ملی خود را خارج از جاه طلبی شخصی و سیاسی قرار دهد.

جان کری گفت: همه می دانیم افغانستان همچنان با چالش بزرگی روبرو است.

مردم افغانستان همچنان از طرف طالبان و دیگر افراطیون خشن مورد تهدید قرار می گیرند. نیاز است نهادهای حکومتی و قضایی تقویت گردد. سیستم انتخاباتی نیاز به اصلاحات جدی دارد. اقتصاد افغانستان آسیب دیده است. فساد مالی، نقض حقوق بشر موجب نگرانی شدید همه است و ما می دانیم باید این مسائل حل شود.

این مشکل و دیگر مشکلات را نمی توان کمتر از حد توصیف کرد اما ما نباید دستاوردهای تحسین برانگیز در افغانستان را فراموش کنیم.

رئیس اجرائیهٔ افغانستان قبل از سخنرانی در مجمع عمومی، در شورای روابط خارجی این سازمان گفت که، عدم همکاری صادقانهٔ برخی از کشورها باعث سکتگی در گفتگوهای صلح میان حکومت افغانستان و گروه طالبان شده است. وی در این شورا در مورد وضعیت امنیتی، اقتصادی و سیاسی کشور صحبت نموده افزود که، افغانستان به کمک جامعهٔ جهانی در بخش های مختلف پیشرفت نموده و با کاروان ترقی جهان یکجا شده است. داکتر عبدالله ضمن تقدیر از نقش بارز ایالات متحدهٔ امریکا در کمک به افغانستان، به نمایندگی از مردم افغانستان از این کمک ها ابراز امتنان نمود.

داکتر عبدالله گفت: "حکومت افغانستان از آغاز کار تاحال برای آمدن صلح کارکرد، اما اینجا هم نبود همکاری صادقانهٔ برخی از کشورها و برگزاری مذاکرات صلح تحت نام شخص مُرده، این پروسه را با موانع و معطلی روبه رو نمود."

رئیس اجرائیه از قابلیت ها و توانمندی های نیروهای افغان در مقابله با چالش های امنیتی تقدیر بعمل آورد اما گفت که این نیروها باید به جنگ افزار های جدید مجهز گردند.

در مورد اصلاح نظام انتخاباتی در کشور وی گفت که، کمیسیون ویژه ای برای ایجاد اصلاحات و شفافیت لازم در نظام انتخاباتی و جلوگیری از تکرار اشتباهات گذشته بمیان آمده است. وی وعده داد که دولت وحدت ملی به ایجاد اصلاحات در کشور متعهد است و آنرا در تمام عرصه ها عملی خواهد ساخت.

داکتر عبدالله در مورد حکومت وحدت ملی گفت: "تشکیل حکومت وحدت ملی یک تجربهٔ جدید در سطح منطقهٔ بوده و من با رییس جمهور اشرف غنی مشترکاً کار می کنم که تعهدات با مردم را جامهٔ عمل بپوشانیم."

وی همچنان درمورد پلان های اقتصادی، موقعیت افغانستان به حیث نقطهٔ اتصال با آسیای جنوبی و مرکزی، مبارزه با مواد مخدر و برخی مسایل دیگر نیز صحبت داشت.

اسامبلهٔ عمومی سازمان ملل متحد فرصت مناسبی برای دیدار زعمای کشور های مختلف با همدیگر است بحدی که گاهی گفته می شود حاشیهٔ اسامبله مهمتر از متن آنست. داکتر عبدالله رئیس اجرایی و صلاح الدین ربانی وزیر امور خارجه نیز در جریان این سفر با مقامات کشورهای مختلف در مورد مسایل افغانستان و جهان به تبادل نظر پرداختند و آنها را در جریان پیشرفت ها و چالش ها در افغانستان قرار دادند.

افغانستان در چنبرهٔ نا امنی!

از عمر حکومت وحدت ملی یک سال می گذرد، تامین امنیت، بهبود شرایط اقتصادی و ایجاد فرصت های کاری از وعده های نخستین این حکومت بود. باورها بر این است که رهبران این حکومت در رهبری کشور نا توان اند و قادر نیستند تا ظرفیت های تمدنی و باستانی این سر زمین را پاسداری نمایند و برای مردم شغل و رفاه ایجاد نمایند.

انسان های دلسوز و مجاهدان آب دیده از صفوف قوای مسلح به بیرون پرتاب گردیده اند و به جای آن ها انسان های ناتوان، مریض و معلول و چهره های کم تجربه و ناتوان در رهبری وزارت های امنیتی قرار گرفته اند که نتیجه اش سقوط مناطق مختلف افغانستان؛ به ویژه شهر کندز بود. آنچه از همه مهم است، موضوع امنیت در کشور است که این حکومت کمتر به آن رسیدگی نموده است. تراژیدی فراوانی را مردم متحمل می گردند، از جمله کندز در نتیجهٔ بی توجهی، غفلت و خیانت برخی از مقام های مرکزی و محلی به سقوط مواجه گردید، سقوط کندز شکست سختی به حکومت وحدت ملی بود.

در ولسوالی های اچین و اسکی مینه ننگرهار مخالفان دست به جنایات سنگین می زنند، در پکتیا، بدخشان و فاریاب و سایر نقاط افغانستان زندگی مردم تهدید می گردد و هر روز جغرافیای جنگ گسترش بیشتر می یابد. اکنون وقت آن فرا رسیده است که مسؤولان سهل انگار از صفوف رهبری قوای مسلح به بیرون پرتاب گردند و جای آن را اشخاص با تجربه و شایسته بگیرند و آن دسته از مقام های نظامی و امنیتی که در کار شان نا مؤفق بوده اند باید مورد تعقیب عدلی قرار گیرند.

اکنون وقت آن فرا رسیده است که رئیس جمهور به مثابهٔ سر قومندان قوای مسلح کشور در برابر مردم جواب دهد و علت نا امنی، به ویژه از سقوط شهر استراتیژیک کندز، به مردم توضیح دهد. وقت شعار دادن و تبارز احساسات و تخدیر افکار عامه به پایان رسیده است. در حالیکه مطابق قانون اساسی مردم از حکومت امنیت، کار و عدل و انصاف می خواهند. بی حرمتی به خواسته های مردم از ویژه گی های یک حکومت پاسخگو نیست.

رئیس جمهور باید به مردم افغانستان توضیح دهد که چگونه جغرافیای جنگ در حال توسعه می باشد. مردم باید بدانند که چه کسانی مسؤول تخریب شاه شهید، واگذاری قسمت هایی از بغلان به طالبان، بی توجهی به مردم ننگرهار و کندز و سایر مناطق افغانستان می باشند.

امروز چه کسی جواب پرسش های مردم کندز را خواهد داد که میلیون ها دالر مردم متضرر گردیده و حیات مدنی و تمدنی آن ها مورد تاراج قرار گرفته است؟ امروز بانک های خصوصی و دولتی در کندز به تاراج رفته و حریم خانواده ها در کندز مورد تجاوز قرار گرفته است که این ها یکی از تراژیدی های اخیر پس از حکومت طالبان در افغانستان می باشد. در صورتی که به یک سلسله پرسش های مردم پاسخ داده نشود و جریان سهل انگاری و خیانت به منافع ملی که در کشور جریان دارد گرفته نشود، بازی با منافع ملی در کشور عام می گردد و دیگر به این حکومت، باور نخواهندکرد. آنچه می تواند به برخی از دشواری های ما در کشور پایان دهد همانا یک خانه تکانی صادقانه در ارگ ریاست جمهوری و وزارت خانه های کشور است.

تا جایی‌که شنیده می شود در برخی ادارات کشور برخوردها و ملاحظات سیاسی، قومی و زبانی در جریان است و حتی برای جنایت‌کاران توجیه زبانی و قومی داده می شود. در صورتی‌که با این مظاهر منفی مبارزهٔ جدی صورت نگیرد، شاهد نا بسامانی های بیشتری در کشور خواهیم بود و در آنصورت نیروی بشری از این کشور تهی می گردد و اشغالگران خارجی و طماعان قدرت، به خوبی می توانند کشور را لگد مال سازند.

فرار جوانان تحصیل یافته از مهم ترین پیامدهای بیکاری در افغانستان

■ عنایت

افغانستان با انواع بحران ها و مشکلات بنیادین از سال ها بدین‌سو مواجه است. از تهدیدات تروریسم بین المللی گرفته تا فقر، بی چارگی، مصاب شدن جوانان به مواد مخدر، بیکاری و بی روزگاری، افزایش نرخ ها، نبود محیط زیست مناسب برای زندگی، نبود آب آشامیدنی صحی، این ها و ده ها موارد دیگری اند که دامن‌گیر مردم ما می باشد. اما هیچ گاهی برای رفع این گونه مشکلات، تدابیر اساسی و راهبردی از سوی نه حکومت افغانستان و نه هم شرکای بین المللی شان که تعهد به نوسازی و به‌سازی در افغانستان دارند، صورت نگرفته است.

بدون شک سال جاری یکی از سال ها پرچالش، برای تمام مردم ما بود. در این سال در پهلوی این که جنگ ها شدت گرفت و طالبان و گروه های دهشت آفرین تقویت شدند، روند ترک کشور از سوی جوانان نیز شدت گرفت. جوانانی که سرمایهٔ بزرگ برای افغانستان بودند. دولت افغانستان با وصف کم کاری های که داشت، توانست تعداد زیادی را به کشور های بیرونی جهت تحصیل بفرستد، به امید این‌که این ها بتوانند افغانستان را در دهه هایی تحول مدیریت و رهبری کنند.

اما مهاجرت جوانان قضیه را معکوس و نه تنها مردم را نگران ساخته است، بلکه نهادهای حکومتی نیز گاه گاهی از اوضاع اظهار نگران می کنند. چندی پیش برخی مقامات حکومتی و مقامات پیشین حکومت از اوضاع نگران بودند. به طور نمونه حامد کرزی رئیس جمهور پیشین هشدار داد که اگر جوانان این کشور را ترک کنند، توسعه و انکشاف کشور به خطر می افتد. ریاست اجراییه نیز با انتشار پیامی گفته بود "ترک جوانان به آیندهٔ کشور عواقب بدی به همراه خواهد داشت."

سازمان ملل نیز گفته بود " اگر به وضعیت جوانان در افغانستان توجه نشود، این کشور با بی‌ثباتی و مشکلات اجتماعی بیشتری مواجه خواهد شد." با این همه هشدار ها و نگرانی ها نیروی کار با گذشت هر روز کشور را ترک می گویند. اگر شما از جادهٔ وزارت امورخارجه عبور کنید، به چشم خود تان می بینید، روزانه به صدها جوان در صف ایستاده اند، تا به خاطر گرفتن تأییدی پاسپورت وارد وزارت امور خارجه شوند. این در حالیست که تعدادی کثیری از جوانان بدون پاسپورت، به طور قاچاق کشور را ترک می کنند. بر اساس آماری که ریاست پاسپورت وزارت امور داخله چندی پیش منتشر کرد، تقاضا برای دریافت پاسپورت در مقایسه با ماه های گذشته پنج برابر افزیش یافته است.

مهاجرت جوانان در حالی صورت می گیرد که همواره خبرهای ناخوش از غرق شدن آنان از طریق رسانه ها شنیده می شود. اما بازهم جوانان کشور هیچ امیدی برای ماندن ندارند و مسیرهای نامعلومی را که آیندهٔ شان میان مرگ و زنده ماندن در تقلاست، انتخاب می نمایند. کارشناسان امور افغانستان اذعان می کنند که عامل عمده در فرار جوانان از کشور، نا امنی می باشد. اکثریت مطلق به این باور اند که افزایش نا امنی ها در کشور پروژهٔ برنامه ریزی شده، از سوی دشمنان مردم افغانستان است. وقتی جوانان کشور را به دلیل نا امنی و یا نبود کار ترک می کنند، دولت مردان ما انگشت انتقاد را به سوی همسایهٔ شرقی دراز می کنند. **اما مشکل در این جا تمام نمی‌شود و مسؤولیت ما بیشتر از آن است که ما خود و مردم را مصروف می کنیم. در حقیقت خیلی از نارسایی ها و مشکلات برمی گردد به خود دولت مردان افغانستان. زیرا پروسه‌های استخدام تحصیل یافته ها از سال ها بدینسو به عنوان یک (تابو) در اذهان مسؤولان مطرح است. مسؤولانی که در مورد استخدام جوانان تحصیل یافته، غفلت های فراوان و عمدی نموده اند.**

خیلی از مقامات را می شناسم که از حضور جوانان در رده های مهم تصمیم گیری بیم دارند. کسانی هم که استخدام شده اند، در گذشته به نحوی با مقامات رابطهٔ قومی، حزبی و سمتی داشته اند که این روند ادارهٔ افغانستان را به فساد و بی کفایتی مزمن مواجه ساخته است.

خیلی از وزرای حکومت ۱۳ سالهٔ جناب حامد کرزی، معیار اساسی استخدام را وفاداری به ارزش های ذهنی و حزبی خود می دانستند، پدیدهٔ که متأسفانه تا اکنون ادامه دارد. بنا براین جوانان تحصیل کرده، آگاه به دانش و فن آوری های روز، اما بی واسطه وقتی می بینند، در هیچ جایی برای شان کوچک ترین فرصت نیست، مجبور می شوند کشور را ترک گویند.

در برخی از وزارت‌خانه ها و نهادهای دولتی، هنوز از ماموران کهن سال که سال ها پیش باید متقاعد می شدند، کار می گیرند. داشتن کار حق هر شهروند است، اما وقتی مراحل قانونی اشتغال برخی ها طی شده است، استفاده از آن ها در حقیقت پای‌مال نمودن حق نیروی جوان است. جوانانی که می توانند شرایط بهتر کار را ایجاد کنند، با وسایل و افزار کار آشنا می باشند. از سوی هم در پهلوی استخدام، کار آفرینی از شرایط اساسی برای ماندن جوانان در کشور است. در صورتی که ظرفیت برای استخدام نباشد، چگونه می شود از ظرفیت های فردی آنهم در شرایطی که آمار داوطلبان بازار کار، بیشتر اند استفاده نمود؟ بر دولت وحدت ملی است، با ایجاد کار آفرینی در بخش زیر بنا و خدمات، زمینه های جذب جوانان تحصیل کرده را فراهم کند. در غیر آن نیروهای کار، سرمایه های بزرگ معنوی هر کشور اند، مجبور می شوند به امید یک آیندهٔ مجهول روانهٔ اروپا و امریکا و کشورهای دور و نزدیک شوند.

همان گونه که همه می دانند همه ساله بودجهٔ انکشافی افغانستان زیر سی درصد به مصرف می رسد. در صورتی که ظرفیت هم در بخش کار آفرینی و هم در بخش استخدام وجود داشته باشد، این بودجه ها به مصرف خواهند رسید.

پیامدهای بی کاری:

پیامدهای بی کاری در درازمدت زیاد است که نمی شود، همه را در این چند سطر درج نمود، اما مهم ترین و فوری ترین پیامدهای بیکاری در پهلوی این که کشور خالی از مغزهای تحصیل کرده می شود، در بُعد داخلی زیان های بیشتر دارد که به دو مورد آن اشاره می کنم.

۱ . مخالفان مسلح دولت از میان صفوف بیکاران سرباز گیری می نمانید. جنگ قندوز نشان داد، اکثر کسانی که در صفوف طالبان علیه دولت جنگیدند، جوانان زیر ۳۰ تا ۲۰ سال سن بودند. البته در سایر مناطق جنگی کشور این امر نیز صدق می کند. جوانان بیکار بدون کدام انگیزهٔ صرف به خاطر این که یک لقمه نان و یا هم کدام مدد معاش برای شان مخالفان در نظر دارند، وارد صفوف آنان می شوند و دشمن از آن‌ها به عنوان چوب سوخت در جنگ ها استفاده می نمایند.

۲. روی آوردن به بزه‌کاری و فحشا: وقتی کار و روزگار نباشد، انسانیت و آدمیت می میرد. برای همین است که حکومت افغانستان باید، برای ایجاد مشاغیل سعی و تلاش بیشتر نماید. فقر سبب می شود تا شمار زیادی از جوانان به اعتیاد رو آورند. در حال حاضر گفته می شود که در حدود ۱۳ میلیون نفر در کشور بیکار هستند. این در حالیست که بر اساس آمارها، پس از سوریه، افغانستان بیشترین پناهجو را در جهان دارد. بسیاری جوانانی که در نتیجهٔ قطع کمک‌های بین‌المللی و تعطیلی دفاتر خارجی کار و شغل شان را از دست داده‌اند، نیز راه مهاجرت را در پیش گرفته اند.

تراژیدی مینا در عربستان سعودی

■ هارون

پس از سال ۱۹۹۰ که در نتیجهٔ فشار و ازدحام جمعیت بالاتر از ۱۴۰۰ تن از زائران حج جان های خود را از دست داده بودند، حادثهٔ ۲۰۱۵ که در آن در حدود ۱۵۰۰ زائر از کشورهای مختلف کشته و زخمی گردیدند به یک ماجرا در میان کشور های اسلامی تبدیل گردید و سیستم ایمنی این مراسم مورد گفتگو و بازرسی جدی قرار گرفته است.

هر چند همه ساله در این مراسم دینی تلفاتی در میان زائران وجود داشته اما با این کمیت هیچگاه ظرف ۲۵ سال گذشته چنین اتفاق رخ نداده بود. این حادثه کشور های اسلامی؛ به ویژه رهبران ایران را به خشم آورد و رهبران ایران اصرار نمودند که باید در خصوص جمعیت چند میلیونی زائران که همه ساله در مکه و مدینه و مینا جمع می گردند، باید چاره یی اندیشیده شود، تا در مراسم رمی جمرات و سنگ پرانی در مینا که رمز مبارزه با طاغوت و سرکوب نفس اماره است به قیمت جان انسان های زیاد تمام نگردد و در سیستم مراسم حج و جمرات بهبود بخشیده شود و از تلفات بیشتر زائران جلوگیری صورت گیرد.

حادثه اخیر در شرایطی در مینا اتفاق افتاده است که یک تقابل آشکار بین سعودی ها و متحدان آن و ایران در خاور میانه به ویژه در یمن جریان دارد و ایران تلاش دارد تا نفوذ خود را به کشور های حاشیهٔ خلیج گسترش دهد. امروز ایران در عراق و سوریه می رزمد، چیزی که مورد علاۀه کشور های عرب اسلامی نیست و کشور های اسلامی و سعودی ها آن را با بد بینی دنبال می کنند و این کار را کشور های عرب خاور میانه افزایش قدرت ایران به کشور های منطقه می داند.

به باور برخی از تحلیلگران سیاسی ریشهٔ این گونه طرز تفکر از جانب ایران ریشه در قدرت گیری ایران در میان کشور های خاور میانه می دانند. تنش میان ایران و سعودی در قضیهٔ مینا پیش از آنکه یک نوع دلسوزی تفاهم و راه های بیرون رفت از معضل مراسم حج بوده باشد، به یک قضیهٔ سیاسی تبدیل گردیده است. راه های ایمنی جمعیت در مراسم جمرات بستگی به یک کارشناسی دقیق و علمی دارد. باید زیارت و حج از برخورد های سیاسی دور نگه داشته شود و مصلحت امت اسلامی در نظر گرفته شود.

یکسال در یک...

حکومت وحدت ملی راه ناکام حامدکرزی برای رسیدن به صلح را با جدیت بیشتر تعقیب کرد که تکیه بر پاکستان برای تامین صلح در افغانستان محور این سیاست را تشکیل می داد. اشرف غنی در سفری به پاکستان حتی به دفتر راحیل شریف لوی درستیز پاکستان رفت و پاکستانی ها نیز وعده دادند که پروسهٔ صلح افغانستان را حمایت خواهند کرد و طالبان را به میز مذاکره حاضر می سازند و حکومت وحدت ملی تلاش هایی را هم به منظور کشیدن پای چین به این مذاکرات انجام داد.

طبق وعدهٔ پاکستانی ها، نخسین دور مذاکرات در ارومچی کشور چین صورت گرفت. عجیب است که دولت افغانستان همیشه تاکید داشت که مذاکرات صلح باید به رهبری افغانها صورت گیرد اما در این مذاکرات، مقامات آی اس آی سه تن را به نام نمایندگان طالبان به این مذاکرات حاضر کردند و رهبری مذاکرات نیز بدست افراد آی اس آی بود.

در مذاکرات بعدی در اسلام آباد نیز وضع به همین منوال بود و کسانی که در این مذاکرات به نمایندگی از طالبان سهم گرفتند، با جناح اصلی طالبان رابطه ای نداشتند اما این مسئله برای دولت وحدت ملی مهم نبود. آنها فقط می خواستند نشان دهند که مذاکرات صلح در جریان است تا اینکه با افشای خبر مرگ ملامحمد عمر، این مذاکرات نیز به تعویق افتاد.

وعدهٔ مهم دیگری که رئیس جمهور غنی به مردم داده بود مبارزهٔ جدی با فساد اداری بود. این وعده با تجدید نظر به دوسیه های کابل بانک آغاز شد اما بزودی مشخص گردید که کاری متفاوت از دوران حامدکرزی در برنامهٔ کاری رئیس جمهور قرار ندارد. این وعده که در ابتدا امید های زیادی را برانگیخته بود، بزودی به فراموشی سپرده شد و فساد حتی مرز های گذشته را نیز درنوردید بحدی که اکنون اعضای پارلمان ادعا می کنند که معاملات پشت پرده با مخالفین مسلح به سقوط برخی ولسوالی ها و حتی ولایات منجر می شود.

به منظور تامین امنیت بهتر در کشور بجای مجاهدین از فرماندهانی که در رژیم کمونیستی سابق سابقهٔ کشتارگری و سرکوب مجاهدین را داشتند به این امید استفاده شد که آنها تجربهٔ گذشته را بکار گیرند اما این حربه نیز کارآمد ثابت نشد. اکنون در شمال و شرق کشور در جنگ علیه طالبان و داعش، سخن از تشکیل نیروهای ملیشه است. این کار یادآور سالهای اخیر حکومت کمونیستی در افغانستان است که بعد از ضعف کامل نیروهای مسلح رسمی روی دست گرفته شد.

در بخش اقتصادی نیز در طول این مدت کار عمده ای صورت نگرفت. ارزش پول رایج کشور در برابر اسعار خارجی سریعاً در حال سقوط بوده و در ولایات سرحدی پول کشور های همسایه بیش از پیش جانشین افغانی شده است.

رئیس جمهور در جریان کمپاین انتخاباتی وعده داد که اصل شایسته سالاری در انتخاب کابینه و پست های کلیدی از اولویت های وی خواهد بود اما چنین نشد. امروز پس از گذشت یکسال، کابینه تکمیل نشده و وزرات کلیدی و نهایت مهم یعنی وزارت دفاع توسط سرپرست اداره می شود.

یکروز قبل از اینکه حکومت وحدت ملی به یک سالگی برسد، ولایت مهم و کلیدی قندز در شمال کشور بدست طالبان افتاد. نیروهای دولتی نتوانستند از این شهر که از قبل نیز با تهدید مواجه بود دفاع نمایند. مقدار فراوانی از جنگ افزار و مهمات بدست نیروهای مسلح مخالف افتاد.

وعدهٔ اشرف غنی در مورد کندز این بود که این ولایت را به یک مرکز ترانزیت جهانی مبدل خواهد کرد و با سرمایه گذاری در شیرخان بندر، خط آهن از این مسیر عبور خواهد کرد. زراعت در این ولایت میکانیزه خواهد شد، میدان هوایی و شهر وسعت خواهد یافت، دو ولسوالی جدید در این ولایت بمیان خواهد آمد، پوهنتون زراعت تاسیس خواهد شد و سواحل رود آمو تحکیم خواهد یافت.

از چندی بدینسو کنفرانس هایی به منظور کمک به افغانستان از طریق همکاری های منطقوی تدویر یافت و کشور های منطقه نیز امید داشتند تا خطوط آهن و پایپ لاین های نفت و گاز از طریق افغانستان به کشورهای دیگر تمدید گردد، شاید طالبان با حضور در شمال می خواهند لااقل به کشور های منطقه بگویند که باید ما را هم به این مهمانی دعوت کنید!

بدترین پیامد این وضع را می توان در فرار مردم بخصوص جوانان از کشور دید. صف های طویل جوانان برای گرفتن پاسپورت خبر از تراژیدی زوال اطمینان به آینده در ذهن نسل جوان این سرزمین دارد. وقتی جوانان که نیروی محرکهٔ موتور پیشرفت در یک کشور اند اطمینان خود را به آینده از دست بدهند، چگونه می توان به پیشرفت چنین کشوری امیدوار بود؟

ملاقات های صلاح الدین ربانی وزیر امور خارجهٔ کشور
در حاشیهٔ هفتادمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد



ملاقات وزیر امور خارجهٔ کشورمان با وزیر امور خارجهٔ کشور شاهی عربستان سعودی

ملاقات وزیر امور خارجهٔ کشورمان با وزیر امور خارجهٔ ترکیه



تهیه کننده: فیض

مجمع عمومی سازمان ملل متحد، از روز دوشنبه ۶ میزان با حضور رهبران کشورهای عضو این سازمان در مقر سازمان ملل در نیویورک برگزار شد. وضعیت سوریه، بحران مهاجران سوریه و عراق، تغییرات آب و هوا و فقر در جهان، از جمله محور گفتگوهای هفتادمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد بود.

این مجمع از روز پنجشنبه ۲ میزان آغاز شده بود و نشست های موضوعی نیز پیش از آغاز نشست مجمع عمومی سالانه، برگزار شده بود.

بان کی مون دبیر کل سازمان ملل متحد، حسن روحانی رئیس جمهوری اسلامی ایران، باراک اوباما رئیس جمهوری امریکا، ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه و فرانسوا هولاند رئیس جمهوری فرانسه از مهمترین سخنرانان اولین روز مجمع سازمان ملل بودند. در این مجمع داکتر عبدالله عبدالله رئیس اجرائیهٔ حکومت وحدت ملی نیز سخنرانی داشت.

در حاشیهٔ این نشست، ملاقات های دو جانبه و چند جانبه میان روسای جمهور و وزرای خارجهٔ برخی کشورها انجام شد که محترم صلاح الدین ربانی وزیر خارجهٔ کشورمان نیز با برخی همتایش ملاقات هایی داشتند، که می خوانید:

۳ میزان ۱۳۹۴

محترم صلاح الدین ربانی وزیر امور خارجهٔ جمهوری اسلامی افغانستان، پس از چاشت، با آقای فریدون سینیرلی اوغلو وزیر امور خارجهٔ جمهوری ترکیه، در حاشیهٔ نشست مجمع عمومی ملل متحد، ملاقات نمود.

نخست، وزیر امور خارجه جمهوری ترکیه از تعهد آن کشور برای حمایت از تلاش های جمهوری اسلامی افغانستان در راستای گسترش همکاری های منطقه یی و ادامهٔ همکاری های ترکیه با افغانستان اطمینان داده، اظهار داشت که صلح، ثبات و رفاه افغانستان برای ترکیه اهمیت فراوان دارد.

سپس، وزیر امور خارجهٔ جمهوری اسلامی افغانستان در مورد اوضاع کشور، توانایی ها و چالش های نیروهای ملی امنیتی و دفاعی افغانستان، تلاش های صلح و دستآوردهای حکومت وحدت ملی و اهمیت همکاری های ترکیه با افغانستان در ساحات مختلف صحبت نمود.

در ادامهٔ ملاقات، دو طرف در مورد برخی دیگر از مسائل مهم در روابط و همکاری های دوجانبهٔ افغانستان و ترکیه گفتگو نمودند.

۴ میزان ۱۳۹۴

محترم صلاح الدین ربانی، پیش از چاشت، با آقای جیورجی کویری کاشویلی معاون صدراعظم و وزیر امور خارجهٔ جمهوری گرجستان، در حاشیهٔ هفتادمین نشست مجمع عمومی ملل متحد، ملاقات نمود.

نخست، صلاح الدین ربانی وزیر امور خارجهٔ کشورمان از میزبانی جمهوری گرجستان از نشست گروه کاری تخنیکی برای بحث روی مسودهٔ اول موافقتنامهٔ پنج جانبهٔ راه لاجورد و همچنان از حضور نیروهای آن کشور در چارچوب آیسف برای تأمین امنیت و در چارچوب مأموریت حمایت قاطع برای آموزش و مشوره دهی به نیروهای ملی امنیتی و دفاعی افغانستان ابراز سپاس نمود.

سپس، معاون صدراعظم وزیر امور خارجهٔ جمهوری گرجستان تلاش های حکومت افغانستان در راستای گسترش همکاری های اقتصادی و اتصال منطقه یی را سودمند و با اهمیت خوانده، بر تعهد کشور خویش برای همکاری با افغانستان، در این زمینه، تأکید نمود.



ملاقات وزیر امور خارجهٔ کشورمان با معاون صدراعظم و وزیر امور خارجهٔ جمهوری گرجستان

۴ میزان ۱۳۹۴

محترم صلاح الدین ربانی وزیر امور خارجهٔ جمهوری اسلامی افغانستان، پیش از چاشت، با آقای خالد بن محمد العطیه وزیر امور خارجهٔ دولت قطر، در حاشیهٔ هفتادمین نشست مجمع عمومی ملل متحد، ملاقات نمود.

نخست، وزیر امور خارجهٔ دولت قطر بر تعهد آن کشور برای همکاری با افغانستان در ساحات مورد نیاز، به ویژه حمایت از تلاش های حکومت افغانستان در راستای صلح و گسترش همکاری های اقتصادی منطقه یی، مجدداً تأکید ورزید. وی همچنان از نهایی شدن تصمیم دولت قطر برای گشایش سفارت آن کشور در کابل خبر داد.

سپس، صلاح الدین ربانی در مورد اهمیت همکاری های قطر با افغانستان، به ویژه حمایت از پروژه های ششمین کنفرانس همکاری های اقتصادی منطقه یی برای افغانستان، برگزاری نمایشگاه های افغانی در قطر و سرمایه گذاری تجار قطری در افغانستان، صحبت نمود.

در ادامهٔ این ملاقات، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی افغانستان خواهان همکاری دولت قطر در زمینهٔ صدور ویزهٔ آن کشور برای کارگران افغان گردید. در پاسخ، وزیر امور خارجهٔ دولت قطر پیشنهاد نمود که، وزرای کار دو کشور با هم دیدار نموده و در مورد همکاری در این زمینه بحث نمایند.



ملاقات وزیر امور خارجهٔ کشورمان با وزیر امور خارجهٔ دولت قطر

۴ میزان ۱۳۹۴

محترم صلاح الدین ربانی وزیر امور خارجهٔ کشورمان، پیش از چاشت، با خانم جولی بیشوپ وزیر امور خارجهٔ آسترالیا، در حاشیهٔ هفتادمین نشست مجمع عمومی ملل متحد، ملاقات نمود.

نخست، وزیر امور خارجه آسترالیا از تعهد آن کشور برای ادامهٔ حضور در چهارچوب مأموریت حمایت قاطع و ادامهٔ همکاری های آسترالیا در ساحات دیگر با افغانستان اطمینان داد.

سپس، آقای ربانی از همکاری های ارزندهٔ آسترالیا با افغانستان در ساحات مختلف ابراز سپاس نموده



ملاقات وزیر امور خارجهٔ کشورمان با وزیر امور خارجهٔ آسترالیا



ملاقات وزیر امور خارجهٔ کشورمان با وزیر امور خارجهٔ آذربایجان

و با یاد آوری از برنامهٔ سودمند آموزش دیپلومات های افغان در آسترالیا، خواهان ادامهٔ برنامهٔ یاد شده گردید.

در ادامهٔ این ملاقات، دو طرف در مورد اوضاع افغانستان، تلاش های صلح و دستآوردهای اخیر حکومت افغانستان در ساحات مختلف صحبت نمودند.

۵ میزان ۱۳۹۴

محترم صلاح الدین ربانی وزیر امور خارجهٔ جمهوری اسلامی افغانستان، پیش از چاشت، با آقای المر محمد یاروف وزیر امور خارجهٔ جمهوری آذربایجان، در حاشیهٔ هفتادمین نشست مجمع عمومی ملل متحد، ملاقات نمود.

در این ملاقات، وزرای امور خارجهٔ دو کشور در مورد نشست آیندهٔ کمیسیون بین الحکومتی اقتصادی و تجارتی افغانستان و آذربایجان، همکاری های اقتصادی منطقه یی و همکاری های افغانستان و آذربایجان در چارچوب سازمان همکاری های اقتصادی (ایکو) بحث و گفتگو نمودند.

۶ میزان ۱۳۹۴

نشست مقامات ارشد پروسهٔ استانبول/قلب آسیا، نیز در حاشیهٔ هفتادمین نشست مجمع عمومی ملل متحد، در نیویارک تدویر یافت که با سخنرانی افتتاحیهٔ محترم صلاح الدین ربانی وزیر امور خارجهٔ جمهوری اسلامی افغانستان آغاز شد. آقای ربانی در بخشی از این سخنرانی، اظهار داشت: "پروسهٔ استانبول/قلب آسیا، در یک مدت کوتاه زمانی، دستآوردهای عالی داشته است. از چهار سال قبل که پروسهٔ استانبول/قلب آسیا به کار آغاز کرده است، این پروسه توانسته است جایگاه خوب و مؤثری را در سطح منطقه و جهان احراز کند. موفقیتی را که پروسهٔ استانبول/قلب آسیا نایل گردیده است، نقش و سهم فعال و ارزندهٔ کشورها و سازمان های عضو در این پروسه را نشان می دهد."

در این نشست، اعزاز احمد چوهدری معاون وزارت امور خارجهٔ پاکستان، نیز سخنرانی نمود.

اشتراک کننده گان نشست قلب آسیا، در مورد اعلامیهٔ پنجمین نشست وزرای امور خارجهٔ پروسه استانبول/قلب آسیا که قرار است در ماه دسامبر سال روان میلادی به میزبانی و ریاست مشترک افغانستان و پاکستان در اسلام آباد تدویر یابد، بحث و تبادل نظر نمودند.

در پایان این نشست، اشتراک کنندگان روی یک برنامهٔ مشخص کاری برای آمادگی به پنجمین نشست وزرای امور خارجه پروسه استانبول/قلب آسیا توافق کردند. همچنان، در مورد پیوستن کشورها و سازمان های دیگری که برای عضویت در پروسه استانبول/قلب آسیا ابراز علاقه نموده اند، بحث صورت گرفت.

۶ میزان ۱۳۹۴

محترم صلاح الدین ربانی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی افغانستان، پس از چاشت، با آقای عادل الجبیر وزیر امور خارجهٔ کشور شاهی عربستان سعودی، در حاشیهٔ هفتادمین نشست مجمع عمومی ملل متحد، ملاقات نمود.

نخست، وزیر امور خارجهٔ کشورمان در پیوند با حادثهٔ اخیر در مراسم حج که باعث شهادت صدها تن از حجاج گردیده است، ابراز تأسف نموده، به وزیر امور خارجهٔ عربستان سعودی تسلیت گفت. همچنان اوضاع کشور و تلاش های صلح حکومت افغانستان را با وزیر امور خارجهٔ عربستان سعودی شریک ساخت.

سپس، وزیر امور خارجهٔ عربستان سعودی همکاری نزدیک با افغانستان را در سیاست خارجی آن کشور با اهمیت خوانده، اظهار داشت که عربستان سعودی از تلاش های صلح حکومت افغانستان حمایت نموده و آماده است در ساحات مورد نیاز با افغانستان همکاری کند.

در ادامهٔ این ملاقات، وزیر امور خارجهٔ جمهوری اسلامی افغانستان خواهان همکاری عربستان سعودی در زمینهٔ صدور ویزهٔ آن کشور برای کارگران افغان گردید. در پاسخ، وزیر امور خارجهٔ عربستان سعودی پیشنهاد نمود که وزارت های کار دو کشور در این زمینه باهم تماس برقرار نموده و چهارچوب همکاری را به بحث گیرند.



ملاقات وزیر امور خارجهٔ کشورمان با وزیر امور خارجهٔ هنگری



ملاقات وزیر امور خارجهٔ کشورمان با وزیر امور خارجهٔ لتویا
و امضای یادداشت تفاهم و مشورت میان دوکشور



ملاقات وزیر امور خارجهٔ کشورمان با وزیر امور خارجهٔ امارات متحدهٔ عرب



ملاقات وزیر امور خارجهٔ کشورمان با وزیر تجارت خارجی و همکاری های انکشافی
کشور شاهی هالند

۷ میزان ۱۳۹۴

محترم صلاح الدین ربانی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی افغانستان و آقای پیتر سجرتو وزیر امور خارجهٔ جمهوری هنگری، در حاشیهٔ هفتادمین نشست مجمع عمومی ملل متحد، ضمن دیدار و ملاقات دوجانبه در نمایندگی دایمی جمهوری اسلامی افغانستان در ملل متحد، یادداشت تفاهم مشورت و همکاری میان وزارت های امور خارجه دو کشور را امضاء نمودند.

به اساس یادداشت تفاهم یاد شده، وزارت های امور خارجهٔ افغانستان و هنگری روی گسترش روابط دوستانه و همکاری های دوجانبه میان دو کشور در ساحات مختلف، به گونهٔ دوامدار، مشورت و همکاری خواهند کرد.

۷ میزان ۱۳۹۴

محترم صلاح الدین ربانی وزیر امور خارجهٔ کشورمان و آقای ادگارس رنکویچز وزیر امور خارجهٔ جمهوری لتویا، پیش از چاشت، در حاشیهٔ هفتادمین نشست مجمع عمومی ملل متحد، ضمن دیدار و ملاقات دوجانبه در نمایندگی دایمی جمهوری اسلامی افغانستان در ملل متحد، یادداشت تفاهم مشورت و همکاری میان وزارت های امور خارجهٔ دو کشور را امضاء نمودند.

در این دیدار، آقای ربانی از تعهد جمهوری لتویا برای فراهم نمودن بورسیه های تحصیلی در رشتهٔ انجنیری خط آهن برای افغانستان ابراز سپاس نمود.

در مقابل، وزیر امور خارجهٔ جمهوری لتویا اظهار داشت که آن کشور آماده است تجارب خویش را در زمینهٔ ساختمان خط آهن با افغانستان شریک نموده و در آموزش کادرها در این رشته با افغانستان همکاری کند.

۷ میزان ۱۳۹۴

محترم صلاح الدین ربانی وزیر امور خارجهٔ جمهوری اسلامی افغانستان و آقای عبدالله بن زاید آل نهیان وزیر امور خارجهٔ امارات متحدهٔ عرب، پس از چاشت، در حاشیهٔ هفتادمین نشست مجمع عمومی ملل متحد، دیدار و ملاقات نمودند.

نخست، وزیر امور خارجهٔ جمهوری اسلامی افغانستان از اشتراک هیئت بلند رتبهٔ امارات متحدهٔ عرب در ریکای شش در کابل، حمایت آن کشور از تلاش های صلح حکومت وحدت ملی و سائر همکاری های امارات متحده با افغانستان ابراز سپاس نموده و از دولت آن کشور خواهان تشویق سرمایه گذاری تجار اماراتی در افغانستان گردید.

سپس، وزیر امور خارجهٔ امارات متحدهٔ عرب اظهار داشت که ضمن ادامهٔ همکاری های آن کشور در عرصه های دیگر، برای سرمایه گذاری امارات در عرصهٔ زراعت در افغانستان فرصت های گستردهٔ مساعد است.

در ادامهٔ این ملاقات، آقای ربانی از این که امارات متحده، حین صدور ویزه آن کشور، تأییدی پاسپورت های شهروندان افغانستان را می خواهد، به عنوان یک مشکل یادآوری نموده و خواهان سهل سازی روند صدور ویزهٔ آن کشور به آن ها گردید. در پاسخ، وزیر امور خارجه امارات متحده عرب وعده سپرد که مشکل یاد شده را با مقامات ذیربط آن کشور در میان گذاشته و در جهت رفع آن اقدام خواهد کرد.

۷ میزان ۱۳۹۴

محترم صلاح الدین ربانی وزیر امور خارجهٔ کشورمان و خانم لیلیان پلومین وزیر تجارت خارجی و همکاری های انکشافی کشور شاهی هالند، پس از چاشت، در حاشیهٔ هفتادمین نشست مجمع عمومی ملل متحد، دیدار و ملاقات نمودند.

نخست، وزیر امور خارجهٔ جمهوری اسلامی افغانستان از همکاری های ارزشمند کشور شاهی هالند با افغانستان در چهارده سال اخیر اظهار امتنان نموده و در مورد اوضاع کشور و دستآوردهای اخیر حکومت افغانستان، منجمله مبارزه با فساد و افزایش سهم زنان در حکومت، به وزیر تجارت خارجی و همکاری های انکشافی هالند معلومات ارائه کرد.

سپس، وزیر تجارت خارجی و همکاری های انکشافی کشور شاهی هالند بر تعهد آن کشور برای ادامهٔ همکاری ها با افغانستان، به ویژه عملی نمودن آنچه هالند در نشست مقامات ارشد در کابل وعده سپرده است، تأکید ورزید.

قانون ثبت احوال نفوس

خواننده گان عزیز! قانون ثبت و احوال نفوس که بخش اول آن در شمارهٔ (۲۲) ۷ سنبلهٔ مجاهد به نشر رسیده بود به نسبت شماره های ویژه بمناسبت های هفتهٔ شهید و سالروز شهادت قهرمان ملی، سالروز شهادت رهبر جهاد و مقاومت و هفتهٔ صلح و وحدت ملی و عید، از نشر مسلسل باز ماند که اینک متباقی این قانون جهت آگاهی بیشتر، نشر می گردد.
« اداره»

فصل چهارم
گزارش واقعات تولد، فوت، ازدواج وانحلال

ازدواج درج گزارش واقعات

مادهٔ شانزدهم :
(۱)گزارش و اقعات تولد ، فوت، ازدواج وانحلال ازدواج در مرکز معلومات (دیتابیس) ثبت احوال نفوس طبق احکام این قانون وطرزالعمل مربوط درج می گردد.
(۲) گزارش واقعات تولد ، فوت، ازدواج و انحلال ازدواج از طرف ولی ، قریب قانونی ویا سرخیل کوچی حد اکثر درخلال مدت سه ماه به نزدیک ترین مرجع ثبت احوال نفوس ارائه می گردد.
(۳) چگونگی ارائهٔ گزارش و محتویات فورمهٔ واقعات تولد، فوت، ازدواج وانحلال ازدواج توسط طرزالعمل جداگانه تنظیم می گردد.

گزارش تولد طفل

مادهٔ هفدهم:
(۱) ولی یا قریب قانونی طفل نوزاد مکلف است ازتولد طفل در خلال مدت سه ماه به نزدیکترین مرجع ثبت احوال نفوس یا مراکز ثبت تولدات، گزارش ارائه نماید.
(۲) اتباع افغانستان مقیم خارج کشور مکلف اند، از تولد اطفال خویش درخلال مدت سه ماه به نمایندگی های سیاسی یا قونسلی افغانستان در خارج کشور طورکتبی گزارش ارائه نمایند.
(۳) نمایندگی های سیاسی یا قونسلی افغانستان مکلف اند، گزارش تولدات را بعد از ثبت به ادارهٔ ثبت احوال نفوس و بررسی امور هویت خارجیان ارسال نمایند.

اطلاع از طفل نوزاد مجهول الهویه

مادهٔ هجدهم: شخصی که طفل نوزاد مجهول الهویه را دریافت نماید، مکلف است موضوع رابه ادارهٔ پولیس محل اطلاع دهد.گزارش دریافت طفل نوزاد از طرف ادارهٔ پولیس به مرجع ثبت احوال نفوس محل مربوط ارسال و از طرف آنها و محکمهٔ ذیصلاح بعد از بررسی طب عدلی و DNA مشترکا نام گذاری وتعیین هویت می گردد.

توزیع تذکرهٔ تابعیت به اشخاص مجهول الهویه

مادهٔ نزدهم:
(۱) شخص مجهول الهویهٔ که جهت اخذ تذکرهٔ تابعیت به مراجع ثبت احوال نفوس مراجعه می نماید، بعد از تصدیق و تضمین دو نفر دارندهٔ تذکرهٔ تابعیت و تائید ادارهٔ امنیت ملی محل مبنی بر افغان بودن آن و خانه پری فورم ثبت نام، به وی تذکرهٔ تابعیت توزیع می گردد.
(۲) هرگاه شخص مندرج فقرهٔ (۱) این ماده مراحل اخذ تذکر ۀ تابعیت مندرج این قانون را تکمیل کرده نتواند، موضوع توسط کمیسیون مرکب از نمایندگان با صلاحیت ستره محکمه، وزارت های امور خارجه وعودت مهاجرین، ادارهٔ لوی څارنوالی، ریاست عمومی امنیت ملی و ادارهٔ ثبت احوال نفوس و بررسی امور هویت خارجیان، بررسی وطوری تصمیم اتخاذ می نمایند که در مغایرت با اسناد تقنینی نافذ کشور قرار نگیرد .

ارائه گزارش از فوت شخص

مادهٔ بیستم:
(۱) شخصی که فوت نماید وارثین یا وصی و یا قریب قانونی وی مکلف اند، گزارش فوت آنرا با توضیح تاریخ و محل وفات درخلال مدت سی روز به مرجع ثبت احوال نفوس مربوط ارائه نمایند.
(۲) شخصی که در اماکن و محلات عامه فوت نماید، مرجع امنیتی مربوط مکلف است، گزارش فوت وی را بعد از وصول اطلاع، در خلال مدت هفت روز رسما به نزدیکترین مرجع ثبت احوال نفوس ارسال نماید.
(۳) نمایندگی های سیاسی یا قونسلی افغانستان درخارج کشور مکلف اند، گزارش فوت اتباع افغانستان را در خارج کشور، بعد ازثبت در دفاتر مربوط در خلال مدت سی روز به ادارهٔ ثبت احوال نفوس و بررسی امور هویت خارجیان ارسال نمایند.
(۴) اشخاصی که حین اجرای وظایف محاربوی به شهادت می رسند، گزارش شهادت آنها با توضیح شهرت مکملهٔ شان، از طرف وزارت ها و ادارات ذیربط در خلال مدت سی روز به مراجع ثبت احوال نفوس محل مربوط طور کتبی ارائه می شود.

ارایهٔ گزارش ازدواج و انحلال آن

مادهٔ بیست ویکم:
(۱) ادارهٔ ثبت اسناد و وثایق مکلف است، گزارش عقد ازدواج یا انحلال آنرا غرض ثبت در مرکز معلومات (دیتابیس) به مرجع ثبت احوال نفوس طور کتبی ارائه نماید.
(۲) زوج و زوجه مکلف اند گزارش عقد ازدواج یا انحلال آنرا به مرجع ثبت احوال نفوس ارائه نمایند. مرجع ثبت احوال نفوس مکلف است، طبق طرزالعمل مربوط در مورد اجراآت نماید.
(۳) مراجع ثبت احوال نفوس مکلف اند، عقد ازدواج یا انحلال آن راکه از مراجع مربوط بدست می آورند، عندالوصول به ادارهٔ ثبت احوال نفوس و بررسی امور هویت خارجیان ارائه نمایند.
(۴) مراجع ثبت احوال نفوس، وثایق عقد ازدواج یا انحلال ازدواج اشخاصی راکه قبلا در مراجع ثبت احوال نفوس ثبت نگردیده باشند ، عندالمراجعه اشخاص، ثبت ودرج مرکز معلومات (دیتابیس) ثبت احوال نفوس نموده، گزارش آنرا طبق طرزالعمل مربوط به ادارهٔ ثبت احوال نفوس وبررسی امور هویت خارجیان ارائه نمایند.
(۵) اتباع افغانستان که در خارج کشور ازدواج یا ازدواج خویش را منحل می نمایند، مکلف اند گزارش آنرا در خلال مدت سی روز به نمایندگی های سیاسی یا قونسلی افغانستان ارائه نمایند.
(۶) نمایندگی های سیاسی یا قونسلی افغانستان مکلف اند، گزارش ازدواج یا انحلال آنرا که ازطرف اتباع افغانستان مقیم خارج کشورصورت گرفته است، بعد از ثبت در خلال مدت سی روز به ادارهٔ ثبت احوال نفوس وبررسی امور هویت خارجیان ارسال نمایند.

ارایهٔ گزارش تولد و فوت

مادهٔ بیست ودوم: وزارت صحت عامه به منظور ثبت مستمر تولدات و وفیات که در مراکز صحی دولتی یا خصوصی صورت می گیرد، تدابیر لازم را اتخاذ و مسئولین آنها را مکلف به ارائه گزارش آن به مراجع ثبت احوال نفوس مربوط نماید.

همکاری مسئولین درمورد اخذ تذکرهٔ تابعیت

مادهٔ بیست وسوم: والیان، ولسوالان و شاروالان مکلف اند، همکاری قریه داران، وکلای گذر، امامان مساجد و مسئولین مراکز صحی ساحات مربوطه را با مراجع ثبت احوال نفوس در زمینهٔ اخذ تذکرهٔ تابعیت و ثبت وقایع تولدات، وفیات، ازدواج و انحلال ازدواج جلب نمایند.

فصل پنجم
تغییر محل سکونت

اطلاع از تغییرمحل سکونت اصلی

مادهٔ بیست وچهارم :
(۱) شخصی که از محل سکونت اصلی خویش نقل مکان می نماید، مکلف است، محل جدیدی را که به حیث محل سکونت اصلی تعیین نموده است، در خلال مدت سه ماه طور کتبی به مراجع ثبت احوال نفوس مربوط اطلا ع دهد، گزارش نقل مکانی ومحتویات فورمه آن ازطرف مرجع ثبت احوال نفوس قبلی یاجدید طبق طرزالعمل مربوط ترتیب می شود.
(۲) موضوع نقل مکانی از محل سکونت اصلی از طرف مراجع ثبت احوال نفوس درمرکز معلومات (دیتابیس) مربوط ثبت و برای نقل مکان کننده و اعضای فامیل وی تذکرهٔ تابعیت جدید توزیع می شود.
(۳) شخصی که ازیک محل به محل دیگر نقل مکان می نماید، معلومات درمورد هویت وی در مرکز معلومات (دیتابیس) به اساس فورمهٔ نقل مکانی به محل سکونت جدید ثبت و از محل سکونت قبلی حذف می گردد.

اطلاع از تغییر محل سکونت

مادهٔ بیست وپنجم: شخصی که بیش از شش ماه محل سکونت خویش را طور مؤقت تغییر می دهد مکلف است، موضوع را طورکتبی به مرجع ثبت احوال نفوس مربوط اطلاع دهد.

فصل ششم
تعیین و اصلاح سن و تغییر و تصحیح اسم

تعیین و اصلاح سن

مادهٔ بیست وششم:
(۱) سن طفل از تاریخ تولد الی اکمال شش سالگی با رعایت احکام مواد نهم، شانزدهم و هفدهم این قانون به ملاحظهٔ اسناد تولد و درصورت عدم موجودیت اسناد، نظر به اظهار ولی یا حداقل دو نفر قریب قانونی وی تعیین می گردد.
(۲) سن طفل بعد از اکمال شش سالگی درصورت عدم موجودیت اسناد تولد، حسب احوال از طرف مسئولین مراجع ثبت احوال نفوس تعیین می گردد.
(۳) اصلاح سن شخص مجاز نمی باشد.

تبدیل وتصحیح نام

مادهٔ بیست وهفتم:
(۱) تبدیل نام شخص الی اکمال سن هجده سالگی صرف برای یک مرتبه براساس درخواست شخص یا ولی ویا قریب قانونی وی طبق طرزالعمل مربوط از طرف مراجع ثبت احوال نفوس صورت می گیرد.
(۲) تصحیح نام یا سایر اشتباهات املائی در تذکرهٔ تابعیت یا مرکز معلومات (دیتابیس) ثبت احوال نفوس طبق طرزالعمل مربوط از طرف مراجع ثبت احوال نفوس درهر زمان صورت گرفته می تواند.

ادعای بنوت

مادهٔ بیست وهشتم: شخصی که در مورد بنوت (فرزند بودن) ادعا نماید و محکمهٔ ذیصلاح به بنوت مدعی نسب حکم کند، مرجع ثبت احوال نفوس مربوط می تواند تذکر ۀ تابعیت را به اساس وثیقه به وی توزیع نماید.

فصل هفتم
احکام متفرقه

مراجعه به ادارهٔ ثبت احوال نفوس

مادهٔ بیست ونهم:
(۱) اتباع ذکور که سن مندرج قانون مکلفیت عمومی عسکری را تکمیل نماید، مکلف است غرض کسب اطمینان ظهور جلب به مراجع ثبت احوال نفوس مربوط مراجعه نماید.
(۲) فهرست مجلوبین دورهٔ مکلفیت عمومی عسکری از طرف مراجع ثبت احوال نفوس طبق طرزالعمل مربوط ترتیب می گردد.

تغییر شغل و پیشه

مادهٔ سی ام: تغییر شغل وپیشهٔ دارندهٔ تذکرهٔ تابعیت به اساس درخواست رسمی، از طرف مرجع ثبت احوال نفوس مربوط در مرکز معلومات (دیتابیس) ثبت احوال نفوس درج می گردد.

تأسیس مرکزمعلومات (دیتابیس) ثبت احوال نفوس

مادهٔ سی ویکم:
(۱) وزارت امور داخله به منظور ثبت احوال نفوس کشور، مرکز معلومات (دیتابیس) ثبت احوال نفوس را ایجاد می نماید.
(۲) وزارت امور داخله به منظور استفادهٔ بهتر از مرکز معلومات مندرج فقرهٔ (۱) این ماده و مصئونیت آن تدابیر لازم را اتخاذ می نماید.

حفظ اسناد،دفاتر ومرکز معلومات ثبت احوال نفوس

مادهٔ سی ودوم: مراجع ثبت احوال نفوس مکلف اند، اسناد، دفاتر و مرکزمعلومات (دیتابیس) ثبت احوال نفوس مربوط را طور محفوظ نگهداری نمایند.

مطالبهٔ معلومات

مادهٔ سی وسوم: ادارات دولتی می توانند طورکتبی یا الکترونیکی معلومات مورد ضرورت را از مراجع ثبت احوال نفوس مطالبه نمایند.

موارد تعقیب عدلی

مادهٔ سی وچهارم: موارد ذیل جرم پنداشته شده، مرتکب آن حسب احوال طبق احکام قانون مورد تعقیب عدلی قرار می گیرد:
۱- اقدام به اخذ تذکرهٔ تابعیت مکرر با تغییر مندرجات هویت ثبت شده.
- گزارش غلط تولدات، وفیات، ازدواج وانحلال آن .
۳- تزویر تذکرهٔ تابعیت.
۴- سوء استفاده از تذکرهٔ تابعیت به نفع خود یا دیگران.
۵- تصدیق از مفقودی یا حریق تذکرهٔ تابعیت شخص خلاف واقعیت.
۶- استخدام شخص بدون داشتن تذکرهٔ تابعیت.
۷- قصدا شکستاندن یا خراب نمودن تذکرهٔ تابعیت.
۸- افشای معلومات اتباع کشور بدون حکم قانون .
۹- هک نمودن سیستم های الکترونیکی تذکرهٔ تابعیت.
۱۰- ارایهٔ معلومات غلط در فورمهٔ فامیلی وانفرادی.

دریافت تذکرهٔ مفقود شده

مادهٔ سی وپنجم: شخصی که تذکرهٔ مفقود شده را دریافت می نماید، مکلف است، آنرا به مرجع ثبت احوال نفوس یا یکی از ادارات پولیس تسلیم نماید.

قیمت تذکرهٔ تابعیت ومثنای آن

مادهٔ سی وششم:
(۱) قیمت اصل تذکرهٔ تابعیت مبلغ (۱۰۰) افغانی وقیمت مثنای آن مبلغ (۵۰۰) افغانی می باشد.
(۲) وزارت امور داخله در مشوره با وزارت مالیه می تواند قیمت مندرج فقره (۱) این ماده را با نظرداشت قیمت تمام شد یا نوسانات اقتصادی بعد از تصویب شورای وزیران افزایش یا کاهش دهد.

حکم انتقالی

مادهٔ سی وهفتم:
(۱) مراجع ثبت احوال نفوس مکلف اند، بعد از انفاذ این قانون طبق پلان مرتبه حین توزیع تذکرهٔ تابعیت الکترونیکی نمبر صفحه و نمبر ثبت تذکرهٔ سابقه اتباع را ثبت دیتابیس نمایند.
(۲) در مناطقی که امکان توزیع تذکرهٔ الکترونیکی نظر به مشکلات امنیتی امکان پذیر نمی باشد همان تذکرهٔ سابق شان مدار اعتبار قرار داده شود.
(۳) وزارت امور داخله مکلف است، غرض توزیع تذکر ۀ تابعیت الکترونیکی وحفظ و نگهداری معلومات محرم اتباع کشور تدابیر مناسب را اتخاذ و عملی نماید.
(۴) با اکمال پروسهٔ توزیع تذکرهٔ تابعیت الکترونیکی، قانون ثبت احوال نفوس منتشرهٔ جریدهٔ رسمی شماره (۷۹۳) سال ۱۴۲۱ هـ ق به اساس فرمان رئیس جمهور ملغی می گردد.

پیشنهاد مقرره و وضع طرزالعمل ها

مادهٔ سی وهشتم: وزارت امور داخله می تواند به منظور تطبیق بهتر احکام این قانون مقرره را پیشنهاد وطرزالعمل ها را وضع نماید.

انفاذ

مادهٔ سی ونهم: این قانون از تاریخ توشیح نافذ و در جریدهٔ رسمی نشر گردد .

په شننه کې د علت او دلیل توپیر

اجرالدین اقبال

موږ په خبرو اترو، په مسائلو او درسي چارو کې د علت او دلیل اصطلاحات کارو؛ نو پر توپیر یې د پوهېدو لپاره د یو دیني اندیال د څرګندونو پښتو ژباړه دروړاندې کوو:

د علت او دلیل توپیر

"(لومړی) د پایلې تر لاسه کولو لپاره، دوه لارې وهلای شو: د دلیل لار او د علت لار. د طبیعت په ډګر کې، علت مو پایلې ته ور رسوي او د معرفت په ډګر کې، دلیل د علل په هکله، د صدق و کذب، اثبات و ابطال، رد و قبول، نه منلو او منلو خبره نشو کړای؛ خود دلایلو په باب یې کړای شو. د اور مړه کولو لپاره او به کاروو. دا د علت د لارې کارول دي. خو په نیاوتون کې د یو تن د بې ګناه زدبادولو لپاره، دلیل کاروو، او به او رنه ابطالوي اور، څه دروغ نه دي چې او به یې په خپل رښتینتوب دروغجنتوب وربربنډ کړي خو په دلایلو کې، دا تولې ځانګړنې شته کله یو دلیل د یو ګزارش رښتینتوب او یا دروغجنتوب ښه ډاګیزوي او چې ډاګیز یې کړ، منل کېږي. کله یو دلیل، د زبادولو قوت نه لري او یوازې یې تاییدولای شي. پر استدلالي سمی کله شک کېږي او کله یقین او....

نو ځکه ددې احکامو له مخې علت او دلیل یو له بله بېلېږي. همدا مدعا چې "علت پرته له دلیله دی"، خپله دلیل لري او دا دی موږ یې رښتینتوب ته دلیل راوړو! او ان نمښته یې هم دلیل ته اړینه ده، او یوازې په عللو منګولې لګول کار نه سازېږي. نو په لنډو ویلای شو چې علت د پایلې له نشتون او شتون سره سروکار لري او دلیل یې له رښتینتوب او دروغجنتوب سره. او علت د را دبره کېدو ژمن دی او دلیل، د زبادولو.

دروغ خبره، "علت" لري؛ خو دلیل نه لري

(دویم) پر هیڅ دروغ خبرې او په هیڅ دروغ خبرې دلیل اقامه کولای نشو. یوازې حق خبرې د حق زیږوونکي او زوکړې کېدای شي. نو دروغجنې خبرې، په مطلق ډول بې دلیله دي او یوازې علت لري، حال دا رښتونې خبرې، هم دلیل لري او هم علت. نو د باطلو اندنو د را پرځولو لپاره، نهایتاً یې د علتونو را پرځولو ته اړتیا لرو نه یې د دلایلو راپرځولو ته. ګزارشونه په دې پار چې صدق و کذب (رښتیتوب او دروغجنتوب) رانغاړي دلیل لري. د اندنو د راښکاره کېدو د علتونو په لټې پسې تلل، او په یوه تولنه یا پېر یا ځانګړي ذهن کې یې د شتون او نشتون (بود نبود) رښتینتوب او دروغجنوتوب ته ور شا کوي، او پر دې سیمه څه رڼا نه ورځلوي. دا په خپله د انګېزې (علت) او انګېختې (راپارونې) د ګډولې د مغالطې یوه بېلګه ده، چې انسان د یو څیز انګیزه (علت) ددې د رښتینوب او نارښتینوب (دلیل) ټاکونکي وبولي، او له یوه، بل ته ورتېر شي.

"علت" هډو د "دلیل" ځای نیوای نشي

(درېیم) علت کله هم د "دلیل" ځای نیوای نشي او د یو چار په معللولو (Explanation) یې مدللولای نشو (Justification). یعنې لکه په ذهن کې د فکري ورننوتو د علت څرګندول، دا فکر موجه، مخوونکی، رښتونی او صادق ګڼلای نشو. په علت پورې د دلیل ورتړل (یعنې دلایل په نهایت کې د علل له جنسه ګڼل) کوم معرفت، ښانده او پوهه پر ځای نه پرېږدي او د عقلي زباد او ابطال لارتړي او پر ځای یې تلقین، جبر او اروایي تسلیم او غاړه ایښوونه کېنوي. یو څوک مصنوعي ویده کولای شو او په همدې حال کې په تګیو برګیو یې په ذهن کې یو تګی ورکېنو. او همدا په ویښه او هوښیاری کې، د برهان په قوت ددې تګي په منو، خاضع او قانع کولای شو. لومړی د علت پر لار تلل دي او دویمي د دلیل پر لار. دویمي ګړ پړ او چون و چرا رانغاړي او لومړنی یې نه؛ خو هو هو باورېدونی په عقلاني سوچ پورې اړوند نه دی. ډېری تقلیدي ګروهې او باورونه، معلل دي نه مدلل؛ نو ځکه د علت په ادلون بدلون اوړي؛ خو پردې ګروهه چې ګرد دلایل علت ته ور سپارلای شو، یوازې دا مدلو لري چې: ګردو انسانانو عقل په ټولو حالاتو کې ویده، او تل په هر ذهن کې هر باور په تلقین او ترزیق ورکېنوای شو. او خیرونکي، په باطن کې، ټول مقلدین دي، او په واقع کې د عللو او عواملو په توپان کې د نفس د ښېرې منفعلانه کاږه واږه کېدل دي او دا د عقل پوره بستره ورتړل او له نفساني حالاتو (لکه غم و ښادي، کینه او کبر) سره د عقلاني افکارو مساوي کول دي.

"دلیل" پوره "علت" ته ورسپارلای نشو: د دلیل نفې هم دلیل غواړي

(څلورم) په علت پورې د دلیل پوره ورتړل، یوه رسی ده، چې د همدې مدعا پر غاړه راتاوېږي او سا یې بندوي. ددې خبرې مدعي یا دې خبرې ته (په علت پورې نه تړل کېدونکی) یو دلیل لري او یا یې په نهایت کې معلل بولي نه مدلل. رومبی حالت، د مدعا نقض او ماتول دي او دویم حالت هم مدعا بې دلیله او په پای کې نه منونکې پرېږدي او یا یې دده د نورو سیالانو په کتار کې کېنوي، پردې سربېره چې د علت په تغییر، په ذهن کې نورې مدعاګانې هم کېنوای شو. په دلیل له توسله چاره نشته، او ان د دلیل نفې ته هم باید دلیل راوړو. د دلیل راوړو او دلیل تورېلو (Rationalization) تر منځ توپیر شته. هغه چې دلیل په علت ټیټوي، د دلیل تورېنې په اصالت فتوا ورکوي او د انسانانو ټول استدلالات د دلیل تورېنې له جنسه ګڼي؛ نو ځکه تل د تعقل او عقل کارونې وربند بولي. د مارکس په فتوا، آیدلوژي د دلیل تورېنې له جنسه ده. طبقاتي ګټې، ژوند دود، تولیدي اړیکي او ټولنیز چاپېریال د عللو په څېر انسان د ایدیالوژی پېداوار (چې له واقعیته اپوته پوهېدنه ده) ته اړباسي. انسانان رومبی پر خپل ژوند دود مینېږي او بیا یې ښه توب او رواتوب ته دلیل تورېي پوښتنه دا ده، چې ایا خپله د مارکس خبره هم د ایدیالوروژی له جنسه ده؟

د انساني او ټولنیزو ښکارندو په څرګندولو کې، دلیل پالي او علت پالي دوه بېلا بېل چلنونه دي

(پنځم) د انساني او ټولنیزو ښکارندو په څرګندولو کې هم د دلیل او هم د علت پر لارو تلای شو:

دلیل پالي له اختیار سره ملازمت او تړاو لري او علت پالي له جبر سره. انسانان له توپان او بوږ بوږکی سره په مخا مخېدنه کې د بوسو یو ډکی ګڼلای شو او د کړنو څرګندولو ته یې یوازې او مازې بهرنې عللونه راوړای شو. او ان عقلانې سنجونې یې هم د بهرنیو ځواکونو هدایت شوې بلللای شو. او پر یوې لارې د بلې لارې په غوره توب کې یې استدلال، دلیل تورېنه و ګڼو او حرکات یې هم خوب وړوونکي وبولو او بهرنې ځواکونه او عوامل عقل ته پاروونکي ګڼلای شو، چې د خپلې د ننني رڼا له برخمنېدو، بېلابېلې لارې رڼا کړي او د حکمت او تدبر له مخې، تلو ته یو لار وټاکي.

په رومبي کې، عقل ونډه نه لري، او دلیل هیڅ کاره دی، او که په ظاهره کومه سنجونه، امتحان، ازمېښت او ټاکنه تر سره کېږي ګرد سره سرسري، بې سا او لوبځې ده. او څه چې دي هغه علتونه دي چې عقل په خپل موټي کې را غونجوي او د عاقلانه تصرف اجازه نه ورکوي. خو په دویمني کې، بهرني او د ننني علتونه، وګړني او ټولنیز حالت مازې بلونکي دي چې عقل محاسبې ته را بولي او پایله اخستنه، قضاوت او هوډ ورسپاري.

د استدلال د عقلاني عنصر په خذف او یا بهرنیو او دننیو غښتلیو محرکاتو، پارونو او علتونو ته د عقل ور ایلول، په واقع کې د عقل (اولذا د اختیار) بستره ورتړل بلل کېږي. که غواړې که نه غواړې په پوهه او ناپوهی پر هغه لار ور درومي چې علل یې غواړي او اقتضا یې کوي. د جبر د غښي پر وړاندې عقل یوازېنی ډال دی، چې ورته یې نیوای شو او عقل دی چې د بېلا بېلو لارو په څېرنه، د انسان اختیار تامین او تضمینوي؛ نو ځکه دلیل پالي د اختیار پالی لازمه ده. په دې کې څه خبره نشته چې اغلب انسانان اختیار، مسوولیت زیږی او ټاکونکی عقل په جبر او غفلت زیږو او اسودوونکیو احساساتو او ننګېرنو پلورلی دی. او په دې کې هم شک نشته چې اغلب انسانان خپل عقل او اختیار ډېره لږ کاروي او تقلید او تسلیم پرې غوره کوي خو خبره دا ده چې د بشریت نړی، د اختیار او عقل نړی ده او کوم انسان چې څومره له اختیار او عقله برخمن وي، هومره ښه انسان دی او تر ټولو مهمتر خو دا دی چې تعقل بیخ او اختیار فرع ده او عقل دی چې اختیار پالي او د تسلیم او جبر له ولکې وتل هم اسانوي.

عقل یوازې په دلیل کار کوي

(شپږم) نه یوازې د تبلیغ ډهول د عقل غوږونه کڼوي؛ بلکې د تمې پړقار هم د عقل سترګې بربڼوي؛ نو ځکه د غوسې او شهوت له څپو د عقل بچونه د عقلمنی واجب او لازم شرط دی، او یوازې نوادر ترې برخمنېږي.

عقل یوازې په دلیل کار کوي او دلیل یوازې په عقل کې کارېږي. او انسان چې په کومه کچه، د تبلیغ په کوډو مسحور او دمېږي او هم د خطابو په نېشه نېشه کېږي، هومره یې عقل کمېږي. د یو چا سخت زړه په هیله، خواهش، غوړه مالی، پیسو، زرو، زور یا زاریو نرمولای شو؛ خو د عقل سیمه یوازې د دلیل په کونجي پرانستای شو. او هغه چې عقل یې ددې ډول غولوونکیو بلنو پر وړاندې سر ټیټوي؛ نو په خپل ګرېوان کې دې سر ننباسي، د خپلو دننني حالاتو پوښتنه ګرو ګڼنه دې وکړي، هسې نه چې عقل یې د نفس مرتبې ته ورکوز شوی وي.

محمد جلال الدین بلخي په مثنوي کې وایي:

"عقل کو مغلوب نفس، او نفس شد
مشتری هات زحل شد نحس شد"

د نوي نسل له شناندو او په یوې ځانګړې موضوع کې د تیزسز له لیکوالو غواړو چې د پورته شنني منځپانګه په پام کې ونیسي او خپلې لیکنې په علمي کچه ټولنې ته را وړاندې کړي، په همدې هیله چې په هېواد کې د شننو په هکله یو علمي رنسانس را مخې ته شي.

د ملی وحدت د حکومت...

د جغرافیوي موقعیت له مخې ځکه مهم ولایت دی (که څه د مساحت له مخې مهم ندی)، چې د طالبانو لخوا په شمال کې د دوی د مقاومت آخرنی مرکز وو. کله چې څوارلس کلونه وړاندې د طالب د واکمنی تغر راټولېده. چې خامخا د دغه ولایت سقوط له یوې خوا مخالفینو ته جرات ورکوي او په نورو ولایتونو کې د ورته عملیاتو الهام ورکوي او هم د افغان امنیتي ارګانونو د حوصلې د ټیټوالي لامل ګرځې او پدې ترتیب سره ښایې د دولت امنیتي ارګانونه خپل مورال له لاسه ورکړي؛ چې پدې عمل کې د هیواد ځینو هغو رسنیو هم خپل رول ولوبولو کومې چې د امریکایي مقاماتو په مرستو چلیږي.

د تنګ خبره ده؛ چې په شمال کې ىو ولایت له لاسه وځي او هم د امنیت او کشفي ارګانونو د بار بار ژمنتیا سپارلو او لاپو سره سره، کله د کابل په زړه شاه شهید کې دومره درنې پېښې رامنځته کیږي چې د عواقبو مخنیوی او د تلفاتو تدارک یې د دغه دولت له وسه هم بیا بېرون وي او یو څه موده په پاکستان باندې په رسنیو کې د ډېرو نېوکو او نړیوال فشار وروسته دادی یو ځل بیا د عمومي اسامبلې د غونډې پر مهال په پکتیکا ولایت کې د تېر کال د یحي خیلو پېښې ته ورته عمل په یو لوبغالي کې رامنځته کیږي، چې دغه ګردواړه پېښې د ملي وحدت د حکومت د بې وسی او ناکامی دلایل په ګوته کوي او له بلې خوا دا هم په ګوته کوي چې د ولس پراخه پرګنو د ملي وحدت د حکومت څخه ژوره او اوږده فاصله پیدا کړېده او د ناکاره حکومتولی (پراخه اداري فساد، کار دکار وړ خلکو او اسلام، هیواد او ولس ته ژمنو خلکو پرځای خپلو ناکامو کړیو ته د سپارلو لامله) ولس په یوه وادي او حکومت په بله وادي کې قرار لري او هغه ژمنې چې د پاکې او کارپوهې حکومتولی رامنځته کولو په اړه د ملي وحدت حکومت مسوولینو د ټاکنو پر مهال خپلو پلویانو ته ورکړې وې، د هغو نه عملي کېدل او د قانون نه حاکمیت او لاهماغسي د ضوابطو پرځای د روابطو حاکمیت، هغه څه دي چې دغه حکومت یې له خپل ولس څخه لېرې کړیدي.

د ملي وحدت حکومت څخه، د امریکې سره د امنیتي تړون په لومړۍ ورځ لاسلیک کولو سره دا طمع کېده چې لدې وروسته به موږ د پاکستاني توغندیو څخه خلاص شو او د اقتصاد یوه له واکمنۍ سره. ولس دا طمع هم لرله چې د خلکو د سترخوانونو کې به توپیر راځي، مګر نه پاکستاني توغندي ودریدل، نه مو اقتصاد ښه شو؛ بلکې په یوه کال کې څمونږ د پولې واحد ارزښت دولس سلنه راولویده او د ولس د خلکو دسترخوانونه وترورل شو؛ ځکه لا اوس هم مافیایې کړی او فاسد اداره د نړیوالو مرستو کچکولونه په خپلو کې سره ویشي او د ولس څخه یې دسترخوانونه لوټلي دي.

نو داسې حکومت نور د څه انتظار باسی؟ آیا داچې دا پاتې افغانان هم اروپا ته په پناه وړلو سره ځانونه یا په اوبو کې لاهو کړي او یا په لیاره کې پرتو ځنګلونو کې د ځناورو خوراک کړي؟!

نګاهی به محافل آواز خوانی...

بدین سان در بخش موسیقی و کنسرت‌ها و بی‌حجابی در قطار کشورهای سکولاریستی و غرب‌زدهٔ اسلامی بایستیم؟

آیا در پهلوی ادای پنج رکن اسلام، مشاهد و تماشاگر بی‌احساس همین صحنه‌ها باشیم و بگذاریم که جنبش‌ها و سازمان‌های بیرونی که در عقب این همه قرار دارند؛ به اهداف و مرام‌های شان نایل آیند و ما بازندهٔ میدان و آنان برندهٔ این میدان باشند؟

آیا باید گذاشت که افتخارات و داشته‌های بزرگ اسلامی‌مان که بخش بزرگی از هویت‌مان را تشکیل می‌دهد؛ بدست چند فاسد و فاجر به‌همین آسانی نیست و نابود گردد؟

اگر جواب بلی/آری است؛ پس روزی خواهد رسید که به‌سان غرب و کشورهای غرب‌زده و بی‌دین چیزی به نام افتخارات خویش نداشته باشیم و افتخارات ما را فقط بخش‌های فلم‌سازی، آوازخوانی، رقص، بی‌حجابی، روابط نامشروع زن و مرد، نوشیدن مشروبات الکولی، استفاده از مواد مخدر و سایر اعمالی از این خصوص تشکیل دهند. آنگاه اگر کسی از گذشته‌های پدران و اجدادش یاد کند، بی‌درنگ مورد استهزا و طعن‌گویی قرار گیرد و سکوت را بر ثبوت ترجیح دهد.

پس خطاب به‌همگان!

اگر پیشرفت و ترقی کشور با طبل نواختن و رقص کردن به صدای آن و کف زدن و ماشاءالله و نام خدا گفتن نهفته باشد پس حاکمان و شوراهای اسلامی و احزاب و جنبش ها و انجمن ها و تمامی ملت چرا از این فیض بیکران بی‌نصیب بمانند؟ هر کسی باید جهت پیشرفت و ترقی کشور طبل به گردن آویزد، دیگری سرود بنوازد و تعدادی به ساز، تعدادِ دیگر ماشاءالله و نام خدا گوید!!

ملت ما در برابر آنچه علیه‌اش روا داشته می‌شود، بی‌باک است؛ به همین دلیل است که سیلی از دشمنان او را در محاصره در آورده‌اند.

دشمنانی در صدد ستاندن دارایی‌های ناچیز این ملت اند. دشمنانی دیگر در پی ربودن اخلاق و عفت و پاکدامنی این ملت عینک بر چشم انداخته و مو به مو در تلاش اند و مأموران اجرای این پروژه‌ها را تشویق و ترغیب می کنند. ستمگرانی دیگر سعی در معتاد کردن این ملت و پول ناشی از فروش این مواد را به انتعاش و نشاط خویش صرف می کنند. ظالمانی دیگر اختطاف‌ها را وسیلهٔ درآمد و عاید خویش می‌پندارند و وضعیت اسفبار این مملکت را باکی ندارند. و برادرکُشانی از سلالهٔ ظالمان و جنایت‌کاران به‌نام‌های... به وحشت، دهشت و کشتن این ملت مظلوم و بی‌گناه می‌پردازند. هر روز ملت ما در اثر اعمال دشمنان فوق الذکر، قربانی می‌دهد.

حالا مسوولیت دولت حفظِ مؤلفه‌ها و اساسات دین مبین اسلام، عفت، عزت، آبرو، وقار و حیثیت و تمامی مفاخر کشورماست. در کنار دولت، شورای سرتاسری علمای افغانستان و سایر شوراهای اسلامی، احزاب اسلامی و انجمن‌های اسلامی، شخصیت‌های دینی و مذهبی کشور و در کُل ملت مجاهد و مسلمان افغانستان؛ با درک مسوولیت در قبال خنثی و ریشه‌کن کردن مفاسد، ابتذال و اباطیل که در کمین اخلاق جامعهٔ مان نشسته‌اند، ادای مسوولیت نمایند. در غیر آن، آن‌روزی را دور نمی‌بینم که یاوه‌سرایان و هذیان‌گویانِ بی‌هرزه و بی‌دین — از اماکن سرپوشیده و محافظت شده، به جاده‌ها و میادین بیایند و به رقص و آواز و پایکوبی بپردازند و با مشوقین شان کنسرت‌های سیار را اجرا کنند!!

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان و مال جهادکردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا و اندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا و مواضع جمعیت نیست.

شعارِ ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا
از عالی ترین آرزوهای ماست.

دور ششم –سال چهاردهم – شمارهٔ بیست و ششم ۱۱ میزان ۱۳۹۴ ۱۹ ذوالحجه الحرام ۱۴۳۶ 3 October 2015

د ملي وحدت د حکومت یو کلن کېدل او د نا امنیو دېربښت!

● رفیق بحر

د ولسمشر د ټاکنو پایلي چې کله یو کال وړاندې په ټاکنو کې د حشري درغلیو لامله جنجالي شوې، نو دامریکا د بهرنیو چارو وزیر (جان کېري) لخوا پر افغان ولس باندې د ملي وحدت تر نامه لاندې د ګډ حکومت پېرزوینه وشوه، چې لومړی خو یې تر اتو میاشتو پورې کابینه نه ټاکل کېده او لاتر اوسه هم د ملي دفاع وزارت لپاره سر پرست لري او هم یې ډېر والیان سرپرستان دي. او بیا یې چې کومو ولایتونو کې والیان ټاکلي هم دي نو پکې امنیتي وضع ورځ تر بلې خرابېږي او د هیواد د جنوب او ختیځ نا امني. د هیواد ډېرو له امنیت څخه برخمن ولایتونو لکه شمالي او لویدیځو ولایتونو ته هم وغځېدې او ورته حالت په پلازمینه کابل کې هم دی.

تېر کال دا مهال یوازې د جنوبي او ختیځو ولایتونو ځیني ولسوالۍ نا امنه وې مگر د یو کال په تېرېدو سره، چې په جنوب کې د هلمند، کندهار، ارزګان او زابل ولایتونه نا امنه وو، اوس مهال دغه لړۍ نه یوازې دا چې په همدغو ولایتونو کې پراخه شوې ده او په یادو شوو ولایتونو کې کم تر کمه یوه یادوه ولسوالي د وسله والو مخالفینو د کنترول یا حاکمیت لاندې راغلي دي، بلکې په کندهار ولایت کې د موسی قلعه، نوازد او سنګین ولسوالۍ یې خو یې ډېره موده د خپل حاکمیت لاندې وساتلی شوې او هم یې د پکتیکا، پکتیا، خوست او غزني په ځینو ولسوالیو کې د نفوذ ساحه پراخه شویده او له ټولو عجیبه خو دا شوه چې د ننګرهار په ولایت کې د تورخم په لوړې غځیدلي سړک ښي (سپین غره) خواته پرتې ولسوالۍ لکه سپین غر، نازیان، اچین، غني خیل، هسکې میني، چپرهار او د خوګیانیو دریو ولسوالیو سربېره تر بتي کوټ پورې د داعش د نوې ډلګې لخوا د دغو ولسوالیو زیاتره برخې یې د خپل کنترول لاندې راوستي دي؛ که څه هم اونۍ وړاندې سخت ولسي فشار او د ننګرهار د ولسونو پر خلاف د داعش سختو مظالمو حکومتي چارواکي له خو به راوېښ کړل او یو سمبولیک دولتي عملیات یې پیل کړیدي، چې ښایي پایلې هم په شمال کې د فاریاب، سمنګان او جوزجان ولایتونو کې د جنرال دوستم عملیاتو ته ورته شي؛ چې په المار او قیسار ولسوالیو کې د طالبانو د پراخه نفوذ وروسته یې کله درانه عملیات ترسره کړل نو د دغو ولسوالیو ځیني برخې او هم د ډنډغوري سیمې بېرته د



طالبانو تر ولقې لاندې راغلې چې بیا وروسته د قبائیلو او سرحداتو چارو وزیر په نوښت په ډنډغوري کې د ولسي خلکو د مشرانو په پیشنهاد د طالبانو له دغې سیمې څخه د عملیاتو نه ترسره کولو لوظنامه لاسلیک شوه او تر دا مهاله یې مثبې پایلې هم لرلې دي. خو د شمال نورو ولایتونو لکه بدخشان، کندز، تخار، او بغلان کې وسله والو مخالفینو ځو ځلي حکومت ته درانه تلفات وراړولي دي، چې پکې د وردوج درنه پېښه د ځانګړي یادوني وړ وه او بالآخره اوس مهال په بدخشان او بغلان کې د ځینو سیمو د ناامنه کېدو سره سره د کندز څو ولسوالۍ لومړی د طالبانو لخوا ونیول شوې او په تعقیب یې دادی د کندز ولایت د تلې د میاشتي په اووم مابنام د لومړي ځل لپاره (د ځوارلس کلونو وروسته) د یو ولایت په توګه د وسله والو مخالفینو په لاسونو پریوځي او د ملي وحدت حکومت خپل یوکال د دغه ولایت له لاسه په ورکولو سره لمانځي؛ پداسي حال کې چې د ملګرو ملتونو د عمومي اسامبلۍ غونډې ته د حکومت اجرائیه رئیس په همدې ورځ وینا لرله. چې دغه ناکامۍ له یوې خوا د افغان دولت اعتبار نړیوالو ته ښکته کړ.

د کندز سقوط یو تصادفي پرمختګ ندی؛ بلکې دا دپاکستان د استخباراتي کړیو پدې جګړه کې د حاکمیت معنا ورکوي، څو د ملګرو ملتونو عمومي اسامبلۍ ته د حکومت د اجرائیه رئیس د وینا اهمیت تردې بریده راټیټ کړي چې له یوی خوا یې د وینا وخت له خپل مهم ټاکلي وخت څخه مخکې وخت ته راولي چې معمولاً اهمیت نلري او بیا په امریکا کې د شپې لس نیمې بجې اوسي چې د وخت د وروسته والي لامله د ډېرو هیوادونو مشران او پلاوي په خپلو ځوکیو هم موجود نه وو. او له بلې خوا ددې سره سره چې افغان دولت د سقوط له کلابندۍ څخه خبروو او په ذهني توګه یې دا تیاري لرله چې وسله وال مخالفین ښایې په ولایت حمله وکړي. خو د ملي دفاع وزارت د ویاند د وینا له مخې ورته د وسله والو مخالفینو قوت دومره ډېر نه ښکاریده، څکه مشهور متل دی چې (دښمن دې که ماشی هم اوسي خو تابیا به د فیل ورته نیسي).

د غزنې زندان څخه د شپږسوه وو په شاوخوا کې بندیان آزاد شو او دادی اوس د کندز ولایت په نیولو سره د دې ولایت څه د پاسه اوه سوه بندیانو آزادېږي او د لومړي ځل لپاره هغه ولایت سقوط کوي چې ۷مخ

● محمد فایق هشام

نگاهی به محافل آواز خوانی و کنسرت ها در عید!

عید سعید اضحی که در کشورهای حوزهٔ فارسی/دری به نام عید سعید قربان یاد می‌شود، یکی از دو عیدی است که اسلام آن‌ها را به‌عنوان روزهای خوشی و جشن توأم با ادای مناسک برگزیده است. عید سعید قربان که یکی از این دو عید است این عید ایثار و فداکاری، منزه شدن نفس، منزه شدن گناهان، ایامی جهت ختم کینه و کدورت، به آغوش کشی برادران دینی... همه از مظاهر این عید اند.

در برخی ممالک اسلامی از این روزها طبق سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم تجلیل می‌شود؛ اما در کشورما چنین نیست. در افغانستان – کشوری که تاریخ اسلامی‌اش پر از مبارزات و افتخارات اسلامی است، این روز را گونه گون تجلیل می‌نمایند.

تعدادی این روز را با تمامی شئونات اسلامی‌اش تجلیل می‌کنند، عده‌یی این روز را با شئونات اسلامی‌آن آغاز و نیمه و فرجامش را با معصیت و گناه به انجام می‌رسانند و بعضی‌ها این روز را از آغاز تا فرجام بدون رعایت موازین و اساسات اسلامی و حتی سنن عید، جشن گرفته و مشغول فتنه‌انگیزی و فساد پیشه‌گی می‌باشند.

کسانی‌که در غرب از بهر فساد پیشه‌گی و هذیان‌گویی یک‌سلسله امتیازاتی را حایز می‌شوند اعم از دختر و پسر، تعداد دیگری که در کشورهای خارجی زندگی کرده‌اند و با نگاه‌های مغرضانه و بدبینانه نسبت به اسلام چنین فکری را دارند که سبب و عامل وضعیت فعلی افغانستان دین‌سالاری و دین پروری مردمان این مرزوبوم است، شماری دیگر جمعی از کف‌زنانِ سست عنصر و بی‌برنامه‌یی اند که تنها سرور و خوشی را در کنسرت‌ها جست‌وجو می‌کنند. هردو تای اخیر، بدون درنگ در کنسرت‌ها و محافل موسیقی و رقص و آواز که از سوی دستهٔ اول اجرا می‌شود، حضور به‌هم رسانده و در تشویق و هدایا سپاری و شادباش گفتن‌ها... کم نمی‌آرند. دو تای نخستین شان نسبت به عقده‌مندی‌یی که به اسلام دارند، با تمام توان و قوت دل‌های خویش را یخ می‌کنند و طیف سوم؛ بنابر شوق و علاقه‌یی که نسبت به اندام‌نمایی و رقصِ آوازخوان‌های دخترخانم ها دارند با نگاه‌های کامل، از دیدن آوازخوان‌های دوست‌داشتنی‌شان لذت می‌برند.

رقص و پایکوبی، هذیان‌گویی و یاوه‌سرایی (که در بخشی از یاوه‌سرایی‌های شان شرکیات و ناسزاها نیز شامل است)، لرزاندن اندام‌ها، حرکات شهوت‌برانگیز و تهوع‌آور، گشت و گذار در میان جمعِ مشاهد و نام‌خدا گوینده!!، گرفتن گل‌ها و تحایف و هدایای گوناگون... همه و همه را دخترخانم‌هایی انجام می‌دهند که از خارج آمده‌اند. و برای مردم شان عیدی می‌دهند! تعداد دیگری از این دست هم وجود دارد که در داخل کشور بسر می‌برند. ناگفته نباید گذاشت که میهمان‌دارانی از طبقهٔ اناث هم با خوش‌زبانی‌ها و اندام‌نمایی‌ها به استقبال از این عید می‌پردازند.

این کنسرت‌ها و محافل رقص و آواز در تالارها و اماکن سرپوشیده و مفشن برگزار می‌گردد؛ اما وسیله‌یی که ذریعه می‌شود تا این همه را اکثریت مردم ببینند، همانا شماری از تلویزیون‌هاست که بدبختانه مشعلدار پخش ابتذال و بداخلاقی و بی‌عفتی استند و نشر چنین کنسرت‌ها که اغلباً از جانب همین تلویزیون‌ها برگزار می‌گردد؛ به وجهه و تکثر نفوذ بینندگان شان منتج می‌شود.

اما واکنش قاطبهٔ این ملت که روزگاری در برابر چنین مفاسد و فتنه‌ها و حتی ضعیف‌تر از مفاسد کنونی، ندای مبارزه و جهاد را اجابت کرد و به یک مبارزهٔ کاملاً مقدس پرداخت که فرآورد آن همانا پیروزی خون بر شمشیر است، حالا چی‌ست؟

آیا بگذاریم که چند اوباش و بی‌هرزه هویت اسلامی‌مان را از ما بربایند و ص۷